



سال یازدهم • بهار و تابستان ۱۴۰۴ • شماره ۲۲

Biannual Journal of Islamic Psychology

Vol. 11, No. 22, Spring & Summer 2025

سبب‌شناسی شکست عاطفی در متون اسلامی

* مجتبی حافظی

** مسعود جان‌بزرگی

*** مسعود آذربایجانی

**** حجت‌اله فراهانی

چکیده

هدف پژوهش حاضر، سبب‌شناسی شکست عاطفی در متون اسلامی و بررسی میزان اعتبار آن بود. با توجه به هدف، ابتدا با رویکردی کیفی با استفاده از روش حوزه‌های معنایی به‌وسیله ۱۴۲ واژه مرتبط جمع‌آوری شده، ۱۰۵۳ گزاره دینی با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند بر اساس اصل اشباع جمع‌آوری و در دو مرحله غربالگری صورت گرفت؛ سپس متون برگزیده با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی بنگستون در چهار مرحله از متن‌گیری، به متن‌دهی، مقوله‌بندی و یکپارچه‌سازی مورد تحلیل قرار گرفت؛ مرحله بعد به‌منظور حصول قابلیت اطمینان از نتایج منابع اسلامی با استفاده از معیارهای لینکن و گابا، چهار ملاک «اعتمادپذیری»، «تأییدپذیری»، «انتقال‌پذیری» و «اتکاپذیری» مورد بررسی قرار گرفت. جهت حصول معیار «اتکاپذیری» از ۱۰ متخصص خواسته شد تا یافته‌های برگرفته از منابع اسلامی را با محاسبه «شاخص روایی محتوایی» مورد ارزیابی قرار بدهند. یافته‌های حاصل از پژوهش نشان داد سبب‌شناسی شکست عاطفی دارای ۲۱ زیرمقوله، ۴ مقوله (خصوصیات عشق انسانی، نادیده‌انگاری معشوق حقیقی، شیفتگی به زندگی دنیا و شناخت‌های تداوم‌بخش) و ۲ درون‌مایه (عوامل علی و عوامل تداوم‌بخش) می‌باشد. نتایج حاصل از سبب‌شناسی این مطالعه، بستر مناسبی برای طراحی مداخله‌های درمانی و بسته‌های آموزشی با رویکرد بومی جهت کاهش نشانگان بالینی ناشی از آن فراهم کرده است.

کلیدواژه‌ها: شکست عشقی، ضربه عشق، شکست عاطفی، علل، سبب‌شناسی، روان‌شناسی اسلامی.

* دانشجوی دکتری روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، پژوهشکده علوم رفتاری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران (نویسنده

مستول) mhafezi@rihu.ac.ir

** استاد گروه روان‌شناسی، پژوهشکده علوم رفتاری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران

*** استاد گروه روان‌شناسی، پژوهشکده علوم رفتاری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران

**** دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۳۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۶

مقدمه

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که روابط عاطفی با دیگران، تأثیر عمیقی بر سلامت و بهزیستی^۱ روانی افراد داشته و همواره یکی از منابع خوشبختی و رضایت انسان‌ها از زندگی محسوب می‌شود (دل پالاسیو - گونزالس، کلارک و اوسالیوان، ۲۰۱۷^۲؛ اوراکز، دیرسمیت، حشمتی، اندکرکهو و بریک، ۲۰۲۰). همچنین این روابط صمیمانه باعث می‌شود که افراد زندگی شادتر، طولانی‌تر و سال تری را تجربه کنند (روکاک، ۲۰۱۹^۴). با این وجود، این روابط همواره موفقیت‌آمیز نیستند و همان‌گونه که پیش‌بینی می‌شود، شکست در روابط عاطفی، پدیده‌ای روبه افزایش است (دل پالاسیو - گونزالس و همکاران، ۲۰۱۷).

«شکست عاطفی»^۵ اصطلاحی است که به معنای خاتمه و پایان یک رابطه عاطفی صمیمی به هر دلیلی غیر از مرگ تعریف می‌شود که فرد پس از جدایی به دلیل علاقه شدید و عمیق نسبت به رابطه با معشوق، دچار هیجان شدید (و گاهی جسمانی) اضطراب و درد می‌شود (ودهان و همکاران، ۲۰۲۰^۶).

شکست عاطفی در حال حاضر به عنوان مسئله‌ای سخت اما معمول در زندگی اکثر افراد وجود دارد که ناچارند در برهه‌ای از زندگی خود، اغلب بارها، بر آن غلبه کنند (پینتر، ۲۰۱۹^۷). طبق پژوهش میرسو و آلیور^۸ (۲۰۱۷) ۲۳ درصد از نوجوانان و جوانان در شش ماه گذشته، دچار شکست در روابط عشقی شده‌اند و ۹۸ درصد از آنها در مقطعی از زندگی خود شکست عاطفی را تجربه کرده‌اند. همچنین در ایران در مطالعات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۲۲ درصد از دانشجویان در سال ۸۳ و ۲۱ درصد از آنها در سال ۸۴ بیان کرده‌اند که اخیراً شکست در روابط عاطفی را تجربه کرده‌اند (رجبی و نیکپور، ۲۰۱۸^۹).

سبب‌شناسی شکست عاطفی در متون اسلامی

۶۲

1. Well-being

2. Del Palacio-Gonzalez, A. Clark, D. A. & O'Sullivan, L. F.

3. Oravec, Z. Dirsmith, J. Heshmati, S. Vandekerckhove, J. & Brick, T. R.

4. Rokach, A.

5. Romantic Breakdown

6. Wadhawan, J. Srivastava, P. Agrawal, P. Jindal, P. Singh, D. Sharma, S. Ahmed, S.

7. Paynter, A. A.

8. Mirsu-Paun, A. & Oliver, J. A.

9. Rajabi, S. Nikpoor, N.

تحقیقات نشان می‌دهد که تجربه شکست عاطفی تأثیرات منفی شدیدی بر انسان‌ها می‌گذارد (برانسون، اورپ و آچیتلی،^۱ ۲۰۱۸). نشانگان بالینی همچون افسردگی اساسی، افزایش خطر خودکشی، افزایش مصرف الکل و احساسات منفی (ودهان و همکاران، ۲۰۲۰)، احساس گناه، بدبینی، ناامیدی، بی‌قراری، هراس، از دست دادن تمرکز و نشانگان جسمانی مانند سردرد، پرخوری، بی‌اشتهایی، خستگی، کندی کلامی - حرکتی و تغییرات در میل جنسی از جمله این موارد است (لی و کواین،^۲ ۲۰۱۳). در یک پژوهش، هنگامی که از افراد خواسته شد حوادث ناگواری را در زندگی‌شان به خاطر بیاورند، نوعی از انحلال و شکست در رابطه عاطفی، از شایع‌ترین پاسخ‌ها بود تا جایی که برخی از این افراد، از شکست در روابط عاشقانه به‌عنوان «بدترین اتفاق»^۳ در سال‌های اخیر زندگی‌شان یاد کردند (تاشیرو و فrazier،^۴ ۲۰۰۳).

با وجود آنکه خاتمه یک رابطه عاطفی رویدادی دردناک است، اما همه افراد به یک شکل آن را تجربه نکرده و تحت تأثیر آن قرار نمی‌گیرند. برخی به آسانی با آن کنار آمده و عده‌ای طولانی مدت درگیر آن باقی می‌مانند (فrazier و کوک،^۵ ۱۹۹۳). عوامل گوناگونی در پژوهش‌های مختلف به‌عنوان علت پریشانی بعد از جدایی معرفی شده است.

طبق پژوهش وانگ و آماتو^۶ (۲۰۰۰)، افرادی که ابتدا تصمیم به جدایی عاطفی می‌گیرند، نسبت به کسانی که مورد طرد و جدایی از جانب طرف مقابل واقع می‌شوند تا پنج سال پس از فروپاشی رابطه در تعدیل شرایط موفق‌تر عمل می‌کنند.

طبق مطالعه اینترنتی دیویس، شیور و ورنن^۷ (۲۰۰۳) پیرامون جدایی در روابط غیرزنانشویی، افرادی که بیان کردند شریک عاطفی آنها آغازگر و خواهان جدایی بوده است، دارای آسفتگی عاطفی بیشتر و سطح بالایی از مشغله فکری پیرامون شریک عاطفی و واکنش اعتراض‌آمیز شدید می‌باشند. در همین راستا، چندین پژوهش باور دارند که آغازکننده خاتمه رابطه، مهم‌ترین متغیری می‌باشد که توانایی سازگاری و کنترل بعدی فرد را می‌تواند تحت تأثیر قرار بدهد (وانگ و آماتو،

1. Brunson, J. A. Øverup, C. S. & Acitelli, L. K.

2. Lee, S. & Kweon, S.

3. Worst Event

4. Tashiro, T. & Frazier, P.

5. Frazier, P. A. & Cook, S. W.

6. Wang, H. & Amato, P. R.

7. Davis, D., Shaver, P. R. & Vernon, M. L.

۲۰۰۰؛ ویس،^۱ (۱۹۷۵). این افراد که متحمل احساس طرد شده‌اند، به دلیل اینکه به‌طور ناگهانی حمایت مورد انتظارشان از رابطه کنار گذاشته می‌شود و همچنین به دلیل رها شدن با عشق یک‌طرفه و احساس بی‌نظمی شناختی و عاطفی، دچار تجربه عواقب نامطلوب‌تری از جدایی عاطفی می‌شوند.

از نظر اسبارا^۲ (۲۰۰۶) نیز این افراد به دلیل احساس رهاشدگی، ممکن است پریشانی بیشتری در طول زمان تجربه کرده و غم و خشم آنها نیز با احتمال کمتری ترمیم گردد؛ درحالی‌که افراد خواهان جدایی، با سرعت بالاتری سازگار می‌شوند. البته در نقطه مقابل نیز، برخی پژوهش‌ها (تاشیرو و فرایز، ۲۰۰۳؛ اوزگل،^۳ ۲۰۰۴؛ هبرت و پاپادیوک،^۴ ۲۰۰۸) باور دارند که میان آغازکننده جدایی و طردشونده از رابطه، در میزان پریشانی پس از شکست عاطفی تفاوتی وجود ندارد.

طبق مطالعه کوک و فرایزر^۵ (۱۹۹۳) افرادی که عزت‌نفس^۶ بالا دارند، انحلال رابطه را کمتر ناراحت‌کننده دانسته و سازش‌یافتگی بالاتری را تجربه می‌کنند، اما افرادی که ارزشمندی خویشان را بر اساس بودن در رابطه می‌دانند و شکست در رابطه عاطفی را در طول سال گذشته تجربه کرده‌اند، ناراحتی هیجانی بیشتری را ابراز کرده‌اند (پارک، سانچز و برینیلدن،^۷ ۲۰۱۱).

سبک اسناددهی نیز در سازگاری و پریشانی پس از پایان رابطه نقش تأثیرگذاری دارد. افرادی که خاتمه رابطه عاطفی را به خودشان نسبت می‌دهند، سطح بالایی از نشانگان مرضی اضطراب، افسردگی و سوگ را نسبت به کسانی که مسئولیت این جدایی را کامل بر عهده نمی‌گیرند، تجربه می‌کنند (بوئلن و راینجتس،^۸ ۲۰۰۹).

همچنین سطح بالای عشق با احتمال کاهش بهبودی پس از خاتمه رابطه، دارای همبستگی است (اسبارا، ۲۰۰۶).

در پژوهش فیلد، دیه‌گو، پلانس، دیدز و دلگادو^۹ (۲۰۰۹) مهم‌ترین عوامل پیش‌بینی‌کننده پریشانی پس از فروپاشی رابطه عاطفی سه عامل میزان افسردگی فرد، ارزش بیشتر قائل شدن برای

- | | |
|--|----------------------------------|
| 1. Weiss, R. S. | 2. Sbarra, D. A. |
| 3. Uzgel, B. | 4. Hebert, S. & Popadiuk, N. |
| 5. Frazier, P. A. & Cook, S. W. | 6. Self-esteem |
| 7. Park, L. E., Sanchez, D. T. & Brynildsen, K. | 8. Boelen, P. A. & Reijntjes, A. |
| 9. Field, T., Diego, M., Pelaez, M., Deeds, O. & Delgado, J. | |

رابطه پیش از آغاز انحلال رابطه و احساس مورد خیانت واقع شدن است.

در مطالعه پیگیری فیلد، دیه‌گو، پلانز، دیدز و دلگادو^۱ (۲۰۱۰) رابطه میان دلایل وقوع شکست و پریشانی ناشی از آن در رابطه عاطفی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که سه عامل ارزش زیاد قائل شدن برای رابطه قبل از وقوع جدایی، صمیمیت کم و نگرانی زیاد برای از دست دادن شریک عاطفی، مرتبط با پریشانی پس از فروپاشی رابطه است.

در پژوهش دل پالاسیو و همکاران (۲۰۱۷) در افرادی که تجربه فروپاشی رابطه را دارند، سبک‌های مختلف شناختی به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های پریشانی پس از خاتمه و حتی رشد پس از انحلال در دو سطح هم‌زمان و آینده‌نگر، شناسایی شد.

همچنین در مطالعات برنز و وگل^۲ و سفری و ایرنبرگ^۳ (۲۰۰۷) سه عامل طولانی بودن رابطه پیش از انحلال، تمایل به نشخوار کردن^۴ و عدم تمایل به جدایی و خاتمه رابطه، به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های اضطراب هم‌زمان بیشتر بعد از تجربه فروپاشی رابطه شناخته شدند.

با وجود پژوهش‌های گسترده صورت گرفته، مرور شواهد پژوهشی نشان‌دهنده آن است مطالعات اندکی، به تأثیر بُعد معنوی وجود انسان، در شکست‌های عاطفی پرداخته‌اند. به عنوان

نمونه مطالعه ودهان و همکاران (۲۰۲۰) با هدف سنجش الگوی جدایی و تغییرات در سلامت روانی، جسمی، اجتماعی و معنوی پس از شکست عاطفی، نشان داد که تمرین معنوی می‌تواند بر کاهش پریشانی ناشی از شکست عاطفی اثربخش باشد و در میان سازوکارهای مقابله‌ای گوناگون، معنویت باعث کاهش اضطراب و نشانگان بالینی ناشی از شکست عاطفی می‌شود. هاوولی^۵ (۲۰۱۲)، مدلی از مقابله مذهبی/معنوی را در نمونه‌ای از دانشجویان دچار شکست عاطفی مورد بررسی قرار داد که در آن روش‌های مقابله‌ای مذهبی/معنوی سهم منحصر به فردی را در سازگاری پس از شکست عاطفی نسبت به روش‌های مقابله‌ای غیر معنوی ارائه می‌دهد. همچنین پژوهش‌ها نشان می‌دهد افرادی که دل‌بستگی به خداوند دارند، در وقایع استرس‌زای زندگی مانند شکست عاطفی، کمتر دچار پریشانی روان‌شناختی می‌شوند برادشاو، الیسون و مارکوم^۶ (۲۰۱۰). این

1. Field, T., Diego, M., Pelaez, M., Deeds, O. & Delgado, J.

2. Brenner, R. E. & Vogel, D. L.

3. Saffrey, C. & Ehrenberg, M.

4. Ruminant

5. Hawley, A. R.

6. Bradshaw, M., Ellison, C. G. & Marcum, J. P.

پژوهش‌ها نیز در عین حال که بسیار انگشت‌شمار می‌باشند، مفهومی مادی و غیرتوحیدی از معنویت را مدنظر قرار داده و الزاماً معنویت را در ارتباط با خداوند تعریف نمی‌کنند. همچنین هیچ‌کدام مرتبط با معنویت مدنظر دین اسلام و ادیان توحیدی نیستند.

وابسته به فرهنگ بودن پدیده عشق، خود یکی از نکات مغفول مانده در اکثر پژوهش‌های ذکر شده است. شواهد نشان می‌دهد هرچند عشق یک احساس جهانی است و اکثریت مردم در دوره‌های مختلف تاریخی و در تمام فرهنگ‌های جهان تجربه می‌کنند، اما خود را به شکل‌های مختلفی نشان می‌دهد؛ زیرا فرهنگ بر تصور مردم از عشق، احساس افراد، نوع مواجهه هنگام شکست عاطفی و شیوه مقابله با آن تأثیر می‌گذارد (کرنشلف،^۱ ۲۰۱۵). تحقیقات لندیس و اوشی^۲ (۲۰۰۰)، هاتفیلد، رپسن و مارتل^۳ (۲۰۰۲)، فیشر و جولی^۴ (۲۰۰۴)، باس^۵ (۲۰۰۶) و گودوین^۶ (۲۰۱۳) در روان‌شناسی، ارتباطات، انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی به‌طور قابل توجهی فهم ما را از تنوع بین فرهنگی عشق در نقاط مختلف جهان گسترش داد. این مطالعات اهمیت نگاه فرهنگ‌محور به سبب‌شناسی شکست عاطفی با توجه به فرهنگ ایرانی - اسلامی را بیشتر نمایان می‌سازد.

در متون اسلامی نیز، اگرچه به‌طور مستقیم به مفهوم شکست عاطفی پرداخته نشده است، اما تحلیل نظام‌مند آموزه‌های مرتبط با عشق و مفاهیم مترادف آن در این منابع، ظرفیت تبیین عمیق علل و ریشه‌های پریشانی پس از فروپاشی رابطه را بر پایه چارچوب‌های اسلامی فراهم می‌سازد. به‌عنوان نمونه، از دیدگاه متون اسلامی عشق انسانی موقتی است و به پایان می‌رسد^۷ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۱۱)؛ چراکه انسان‌ها با محدودیت‌ها و نواقص معشوق آشنا می‌شوند و عدم پذیرش این مسئله با شکست عاطفی مرتبط است. یا در متون اسلامی به کور و کر شدن چشمان فرد عاشق اشاره شده است که کنایه از ندیدن عیوب و نقص‌های فرد معشوق است^۸ (شریف الرضی،

1. Karandashev, V.

2. Landis, D. & O'Shea, W. A.

3. Hatfield, E., Rapson, R. L. & Martel, L. D.

4. Fisher, H. & Jolly, A.

5. Buss, D. M.

6. Goodwin, R.

۷. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الْهَجْرَانُ عَقُوبَةُ الْعَشَقِ»

۸. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «وَمَنْ عَشِقَ شَيْئاً أَعَشَى (أَعْمَى) بَصَرَهُ» (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۶۰)؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«حُبُّكَ لِلشَّيْءِ يَغْمَى وَيَصْمُ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۸۰)

۱۴۱۴ق، ص ۱۶۰؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۸۰. این نادیده انگاشتن عیوب، پس از پایان رابطه، به منبعی از رنج و پریشانی تبدیل می‌شود؛ چراکه فرد نه تنها یک رابطه را از دست داده، بلکه باورهای عمیقی که درباره معشوق در ذهن خود ساخته بوده است نیز دچار فروپاشی می‌شود. در متون دیگری وابستگی عاطفی افراطی به انسان‌ها، دارای ریشه در غفلت از خداوند^۱ (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۶۶۸) یا علاقه شدید به دنیا^۲ (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۶۰) مطرح شده است؛ بنابراین جست‌وجوی نظام‌مند در این منابع، امکان استخراج سبب‌شناسی بروز پریشانی پس از جدایی را به‌طور منجمس و یکپارچه مهیا می‌سازد.

با توجه به مبتنی بر فرهنگ بودن پدیده عشق و نوع مواجهه با شکست عاطفی و با توجه به تأثیر بعد معنوی وجود انسان بر شکست‌های عاطفی و با توجه به ظرفیت متون اسلامی در تبیین علل این پدیده، این مطالعه درصدد است سبب‌شناسی شکست عاطفی را از متون اسلامی استخراج و اعتبارسنجی نماید. با توجه به تعریف شکست عاطفی در مباحث قبلی که مفهوم پریشانی پس از آن، نقشی محوری در آن دارد، منظور از سبب‌شناسی شکست عاطفی در این مطالعه، عواملی است که منجر می‌شوند فرد پس از جدایی عاطفی، دچار پریشانی ناشی از آن بشود.



۶۷

روش پژوهش

در این بخش، متون اسلامی با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی بنگستون (۲۰۱۶) مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند. این روش دارای چهار مرحله می‌باشد که در این بخش مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱. **مرحله برنامه‌ریزی:** از نظر بنگستون (۲۰۱۶) در روش تحلیل محتوای کیفی پیش از شروع جمع‌آوری داده‌ها، باید فرآیند برنامه‌ریزی^۳ صورت گیرد. در بخش هدف، پژوهش بر اساس استدلال استقرایی^۴ صورت گرفته است. جامعه متنی پژوهش، قرآن کریم و همه احادیث موجود در کتب قبل از قرن پنجم (کتب الف و ب) بودند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ص ۲۶۵). به دلیل گستردگی روایات

۱. امام صادق (ع) می‌فرماید: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْعَشَقِ قَالَ قُلُوبُ حَلَّتْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ حُبَّ غَيْرِهِ».

۲. امام علی (ع): «مَنْ عَشِقَ شَيْئاً أَغْشَى بَصَرَهُ وَأَمْرَضَ قَلْبَهُ فَهُوَ يَنْظُرُ بَعَيْنٍ غَيْرِ صَحِيحَةٍ وَيَسْمَعُ بِأُذُنٍ غَيْرِ سَمِيعَةٍ قَدْ خَرَقَتْ الشَّهَوَاتُ عَقْلَهُ وَأَمَاتَتْ الدُّنْيَا قَلْبَهُ وَوَلِهَتْ عَلَيْهَا نَفْسَهُ فَهُوَ عَبْدٌ لَهَا وَلَمْ يَنْفُذْ فِي يَدَيْهِ شَيْءٌ مِنْهَا حَيْثُمَا زَالَتْ إِلَيْهَا وَحَيْثُمَا أَقْبَلَتْ أَقْبَلَ عَلَيْهَا لَا يَنْزِعُ مِنْ اللَّهِ بِزَجَرٍ وَلَا يَتَعَطَّى مِنْهُ بِوَاعِظٍ».

و عدم امکان مطالعه یک‌به‌یک آنها از یک‌سو و قابل استنادتر شدن نتایج پژوهش حاضر از سوی دیگر، منابع روایی پژوهش از کتب درجه الف و ب انتخاب شده‌اند. البته پژوهشگر در برخی موارد از روایات منقول در کتب درجه ج نیز به‌عنوان مؤید روایات الف و ب استفاده کرده است. عموماً آثار مأثور از پیشوایان معصوم علیهم‌السلام و آثار منقول علمای تا سده پنجم هجری همچون شیخ کلینی، شیخ صدوق، شیخ مفید، شیخ طوسی، شیخ طبرسی و سید رضی از جمله منابع درجه الف و ب به‌شمار می‌آیند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ص ۲۶۵). در این بخش از نمونه‌گیری هدفمند^۱ استفاده شده است. نمونه‌گیری هدفمند در این بخش، احادیث ۳۵ باب از کتاب میزان الحکمة با درجه‌بندی الف و ب (طباطبایی، ۱۳۹۰، ص ۲۶۵) و ۶۵ آیه از قرآن کریم بود که مرتبط با مفهوم عشق و دوست داشتن بودند. تعداد نمونه مورد مطالعه بر اساس اصل اشباع در حجم نمونه در نظر گرفته شد (گلیسر و استراوس، ۲۰۱۷).^۲ در این مطالعه واحد تحلیل،^۳ مضمون انتخاب شده است. معرفی و یوسف‌زاده (۱۳۸۸، ص ۱۳۶) مضمون را معنای خاصی می‌دانند که از یک جمله یا پاراگراف برداشت می‌شود. بخش دیگر فرایند برنامه‌ریزی، انتخاب روش تحلیل^۴ می‌باشد (بنگستون، ۲۰۱۶) که در این بخش از تحلیل محتوای آشکار^۵ و پنهان^۶ استفاده شده است؛

۲. مرحله جمع‌آوری داده‌ها: برای جمع‌آوری داده‌ها از متون اسلامی از روش «حوزه‌های معنایی»^۷ (تریر، ۲۰۱۹)^۸ استفاده شده است. در پژوهش حاضر واژگان مربوط به مفهوم عشق و دوست داشتن از فهرست کتب لغوی و حدیثی با استفاده از اصول تبعی معناسازی زبانی در روش حوزه‌های معنایی مانند هم‌معنایی،^۹ چندمعنایی،^{۱۰} تقابل معنایی،^{۱۱} حوزه‌واژگانی^{۱۲} بر اساس وحدت قاموسی،^{۱۳} باهم‌آیی واژگان،^{۱۴} شمول

1. Purposive sampling

3. Unit of analysis

5. Manifest Content

7. Semantische Felder

9. Synonym

11. Semantic opposition

13. Monoleximic

2. Glaser, B. & Strauss, A.

4. Analysis Method

6. Latent Content

8. Trier, J.

10. Polysemy

12. Lexical field

14. Lexical collocation

معنایی^۱ و تحلیل مؤلفه‌ای^۲ (شجاعی، جان‌بزرگی، عسگری، غروی‌راد و پسندیده، ۱۳۹۳) جمع‌آوری شدند. در فحص اولیه ۳۴ ریشه لغوی به همراه ۱۰۸ کلمه مشتق از آنها (در مجموع ۱۴۲ واژه) به زبان عربی یافت شد که در گستره نظری لغت‌شناسان و متخصصان دینی مرتبط با موضوع پژوهش به‌کار رفته است؛ سپس پژوهشگر جهت ساختارمند شدن مطالعات خود به سراغ کتاب میزان‌الحکمة (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹) و قرآن کریم رفت. با استفاده از کلیدواژه‌های یافت‌شده ۳۵ باب مرتبط اولیه با مفاهیم پژوهش از کتاب میزان‌الحکمة و ۶۵ آیه از قرآن کریم انتخاب کرد. احادیث این ابواب و آیات انتخاب‌شده که بالغ بر ۱۰۵۳ روایت و آیه بود به‌طور کامل مورد مطالعه پژوهشگر قرار گرفتند. پژوهشگر این متون را در دو مرحله غربال کرد: مرحله اول، غربال به‌واسطه عدم ارتباط مفهومی؛ در این مرحله تمام احادیث و آیات جمع‌آوری‌شده از جهت میزان ارتباط مفهومی کامل داشتن با مسئله مورد پژوهش، یعنی سبب‌شناسی شکست عاطفی مورد بررسی قرار گرفتند. تمامی متون مذکور مورد مطالعه و در صورت عدم ارتباط کامل مفهومی حذف شدند. در این مرحله ۹۴۸ روایت و آیه حذف و ۱۰۵ متن باقی ماند؛ مرحله دوم، غربال به‌واسطه ضعف کتاب؛ در این مرحله تمام احادیث باقی‌مانده (۸۵ حدیث) از جهت اعتبار کتاب (کتب الف و ب) مورد بررسی قرار گرفتند. در این مرحله ۴۴ روایت حذف و ۵۰ روایت باقی ماند که در مجموع با آیات قرآن کریم، ۵۵ متن (۳۵ حدیث و ۲۰ آیه قرآن کریم) به‌عنوان متون برگزیده نهایی برای تحلیل انتخاب شدند؛ ۳. مرحله تحلیل داده‌ها: مرحله تحلیل داده‌ها^۳ با استفاده از چهار مرحله در روش تحلیل محتوای کیفی بنگستون (۲۰۱۶) صورت گرفته است: مرحله اول، «ازمتن‌گیری»؛^۴ در این مرحله از مطالعه، پژوهشگر پس از مطالعه متن هر جمله از متون اسلامی، مفهوم اصلی آن را استخراج و به‌صورت خلاصه‌هایی ثبت گردید. در این مرحله ۵۵ خلاصه به‌دست آمد که به‌صورت گزاره‌های مفهومی اولیه مشخص شد؛ مرحله دوم، «به‌متن‌دهی»؛^۵ برای این مرحله، متن اصلی دوباره مطالعه شد و از قلم‌های رنگی در نرم‌افزار ورد^۶ برای مشخص کردن هر واحد معنایی در متن پیاده‌سازی شده استفاده شد. بخشی از متن که بدون علامت باقی مانده بود، مورد بررسی مجدد

1. Hyponymy

2. Componential analysis

3. Data analyzing

4. Decontextualisation

5. Recontextualisation

6. Microsoft Word

قرار گرفت و متونی که پاسخی به سؤال پژوهش ارائه می‌کردند، در تحلیل وارد شدند و باقی متون به‌عنوان بخش‌های اضافی کنار گذاشته شدند؛ مرحله سوم، «مقوله‌بندی»؛^۱ در این مرحله، زیرمقوله‌ها،^۲ مقوله‌ها^۳ و درون‌مایه‌ها^۴ شناسایی شدند. در پژوهش حاضر، از متون جمع‌آوری‌شده، ۲۱ زیرمقوله، ۴ مقوله و ۲ درون‌مایه شناسایی شد که سبب‌شناسی شکست عاطفی در منابع اسلامی را تشکیل دادند؛ مرحله چهارم، «یکپارچه‌سازی»؛^۵ پژوهشگر در این مرحله خلاصه‌ای از زیرمقولات، مقولات و درون‌مایه‌ها را به‌صورت جدول ارائه کرد تا خواننده بتواند به سرعت مروری بر نتایج داشته باشد. همچنین پژوهشگر میزان همخوانی یافته‌ها با گستره نظری و میزان منطقی و معقول بودن آنها را مورد بررسی قرار داد. اعتبارسنجی نتایج پژوهش نیز در بخش قابلیت اطمینان نتایج منابع اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است.

۴. مرحله تهیه گزارش و ارائه نتایج: در پایان مطالعه، تهیه گزارش و ارائه نتایج^۶ صورت می‌گیرد که در مطالعه حاضر نیز، ارائه مدلی از سبب‌شناسی شکست عاطفی بر اساس منابع اسلامی، پایان‌بخش مطالعه در این بخش بود.

به‌منظور حصول قابلیت اطمینان^۷ از نتایج منابع اسلامی پژوهش (معادل روایی^۸ و پایایی^۹ در مطالعات کمی)، از معیارهای لینکن و گابا^{۱۰} (۱۹۸۵) استفاده شد. برای اطمینان از ملاک «اعتمادپذیری»^{۱۱} (معادل روایی درونی)^{۱۲} از روش درگیری طولانی مدت با داده‌ها^{۱۳} استفاده شد. همچنین یافته‌ها به تیم ناظر داده شد تا درستی و صحت نتایج کسب‌شده را تأیید کنند تا در صورت لزوم، اصلاحات صورت گیرد. برای نیل به ملاک «تأییدپذیری»^{۱۴} (معادل عینیت)^{۱۵} پژوهشگر تلاش کرد تا پیش‌فرض‌ها، سوگیری‌ها و نگرش‌های خود را در گردآوری و تحلیل اطلاعات دخالت

1. Categorisation

2. Sub-categories

3. Categories

4. Themes

5. The Compilation

6. Creating a Report and Presentation of the Result

7. Trustworthiness

8. Validity

9. Reliability

10. Lincoln, Y.S. & Guba, E.G.

11. Credibility

12. Internal Validity

13. Prolonged engagement

14. Confirmability

15. Objectivity

ندهد. جهت دستیابی به معیار «انتقال‌پذیری»^۱ (معادل روایی بیرونی)^۲ تلاش شد تا گزاره‌ها و متون دینی بر اساس موقعیت‌ها و شرایط متنوع و متفاوت (در بخش قرآن کریم از آیات مکی و مدنی، موقعیت‌های جنگ و صلح، زمینه‌های اخلاقی و اعتقادی، خطاب‌های عام و خاص و در بخش احادیث از زمینه‌های گوناگون تربیتی، اجتماعی و اخلاقی) انتخاب شود و در بخش احادیث تا تعمیم‌پذیری نتایج تأمین شود و به سایر زمان‌ها، موقعیت‌ها و شرایط قابل تعمیم باشد. جهت حصول معیار «اتکاپذیری»^۳ (معادل پایایی) از متخصصان درخواست شد تا یافته‌های برگرفته از منابع اسلامی را مورد ارزیابی قرار بدهند. در این بخش، میزان ارتباط یا مطابقت یافته‌ها با محتوای مورد نظر با محاسبه «شاخص روایی محتوایی»^۴ (CVI) سنجیده شد که اولین بار توسط مارتزا^۵ به جامعه علمی معرفی شده است (سالکیند، ۲۰۱۰، ص ۲۴۲). در این شیوه از متخصصان درخواست شد مطابقت هر یافته با مستندات را در یک مقیاس لیکرت چهاردرجه‌ای (۱: مطابق نیست؛ ۲: نسبتاً مطابق است؛

۳: مطابق است؛ ۴: کاملاً مطابق است) مشخص کنند. در این مطالعه، از ۱۰ متخصص طبق ۴ فرم خواسته شد تا نظرات تخصصی خود را پیرامون سبب‌شناسی بیان کنند. در فرم اول و دوم از آنها خواسته شد تا میزان مطابقت هریک از مستندات را با زیرمقولات و میزان تناسب زیرمقولات را با مقولات بیان کنند. در فرم سوم میزان تناسب مقولات با درون‌مایه‌ها و در فرم چهارم میزان تناسب درون‌مایه‌ها با هسته اصلی پژوهش در این بخش، مورد سؤال قرار گرفت. جهت بررسی روایی محتوایی بخش سبب‌شناسی شکست عاطفی بر اساس منابع اسلامی از نظرات ۱۰ کارشناس استفاده شد. متخصصان دارای مدرک دکتری روان‌شناسی یا دانشجوی دکتری روان‌شناسی بوده و هم‌زمان در تحصیلات حوزوی دارای مدرک سطح ۳ و یا ۴ بودند.

مراحل انجام پژوهش در بخش منابع اسلامی بر اساس روش تحلیل محتوای کیفی بنگستون (۲۰۱۶) به‌طور خلاصه در نمودار ۱ ترسیم شده است.

1. Transferability

2. External Validity

3. Dependability

4. Content Validity Index (CVI)

5. Martuza, V.

6. Salkind, N. J.

مرحله برنامه‌ریزی	۱. مشخص کردن هدف (شناسایی سبب‌شناسی شکست عاطفی از منابع اسلامی و استدلال استقرایی). ۲. انتخاب واحد تحلیل (مضمون). ۳. انتخاب روش جمع‌آوری داده‌ها (استفاده از متون اسلامی). ۴. انتخاب روش تحلیل (استفاده از تحلیل محتوای کیفی آشکار و پنهان).
مرحله جمع‌آوری داده‌ها	۱. جمع‌آوری واژگان مربوط به مفهوم عشق و دوست داشتن از فهرست کتب لغوی و حدیثی با استفاده از اصول تبعی معناشناسی زبانی در روش حوزه‌های معنایی. ۲. یافتن ۲۴ ریشه لغوی به همراه ۱۰۸ کلمه مشتق از آن‌ها (در مجموع ۱۴۲ واژه) به زبان عربی در ادبیات لغت‌شناسان و متخصصان دینی. ۳. انتخاب ۲۵ باب مرتبط اولیه با مفاهیم پژوهش از کتاب میزان‌الحکمة و ۶۵ آیه از قرآن کریم بالغ بر ۱۰۵۳ آیه و روایت. ۴. غربال متون یافت شده در دو مرحله. ۵. مرحله اول: غربال به‌واسطه عدم ارتباط مفهومی: خروج ۹۴۸ آیه و روایت و باقی ماندن ۱۰۵ متن (۸۵ حدیث و ۲۰ آیه قرآن کریم). ۶. مرحله دوم: غربال به‌واسطه ضعف کتاب (استفاده از کتب روایی الف و ب): خروج ۵۰ روایت و باقی ماندن ۲۵ روایت و در مجموع با آیات قرآن کریم، ۵۵ متن برگزیده نهایی برای تحلیل.
مرحله تحلیل داده‌ها	۱. مرحله اول: «ازمن گبری»: انجام فرایند کدگذاری باز و به‌دست آوردن ۵۵ کد در پژوهش و تهیه فهرست کدها به‌صورت استقرایی برای تحلیل. ۲. مرحله دوم: «به‌متن‌دهی»: بررسی میزان پوشش همه جنبه‌های محتوایی مرتبط با هدف مطالعه: بررسی مجدد بخش‌های باقی مانده و وارد کردن متون مرتبط و کنار گذاشتن بخش‌های اضافی. ۳. مرحله سوم: «مقوله‌بندی»: فشرده‌سازی واحدهای معنایی: شناسایی ۲۱ زیرمقوله، ۴ مقوله در مرحله اول، ۲ مقوله در مرحله دوم و ۱ تم به‌عنوان هسته اصلی مطالعه یعنی سبب‌شناسی شکست عاطفی در منابع اسلامی. ۴. مرحله چهارم: «یکپارچه‌سازی»: ارائه خلاصه‌ای از زیرمقولات، مقولات و تم به‌صورت جدول، بررسی میزان هم‌خوانی یافته‌ها با ادبیات و میزان منطقی و معقول بودن آن‌ها و بررسی اعتبارسنجی و قابلیت اطمینان نتایج در چهار بخش اعتمادپذیری، تاییدپذیری، انتقال‌پذیری و اتکاذپذیری.
مرحله تحلیل داده‌ها	۱. مرحله اول: «ازمن گبری»: انجام فرایند کدگذاری باز و به‌دست آوردن ۵۵ کد در پژوهش و تهیه فهرست کدها به‌صورت استقرایی برای تحلیل. ۲. مرحله دوم: «به‌متن‌دهی»: بررسی میزان پوشش همه جنبه‌های محتوایی مرتبط با هدف مطالعه: بررسی مجدد بخش‌های باقی مانده و وارد کردن متون مرتبط و کنار گذاشتن بخش‌های اضافی. ۳. مرحله سوم: «مقوله‌بندی»: فشرده‌سازی واحدهای معنایی: شناسایی ۲۱ زیرمقوله، ۴ مقوله در مرحله اول، ۲ مقوله در مرحله دوم و ۱ تم به‌عنوان هسته اصلی مطالعه یعنی سبب‌شناسی شکست عاطفی در منابع اسلامی. ۴. مرحله چهارم: «یکپارچه‌سازی»: ارائه خلاصه‌ای از زیرمقولات، مقولات و تم به‌صورت جدول، بررسی میزان هم‌خوانی یافته‌ها با ادبیات و میزان منطقی و معقول بودن آن‌ها و بررسی اعتبارسنجی و قابلیت اطمینان نتایج در چهار بخش اعتمادپذیری، تاییدپذیری، انتقال‌پذیری و اتکاذپذیری.

نمودار ۱: خلاصه مراحل انجام پژوهش در سبب‌شناسی منابع اسلامی بر مبنای تحلیل محتوای کیفی بنگستون (۲۰۱۶)

یافته‌ها

یافته‌های حاصل از تمامی واحدهای معنایی، زیرمقوله‌ها، مقوله‌ها و درون‌مایه‌های مربوط به منابع اسلامی در قالب جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱: یافته‌های حاصل از واحدهای معنایی، زیرمقوله‌ها، مقوله‌ها و درون‌مایه‌های شکست عاطفی در منابع اسلامی

واحد معنایی	زیر مقوله	مقوله	درون‌مایه
«الهِجْرَانُ عُقُوبَةُ الْعَشَقِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۱۱).	فناپذیری ذات	خصوصیات	عوامل علی
«فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أَحِبُّ الْآفِلِينَ * فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِعًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَيْنَ لَمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ * فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِعَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ» (انعام: ۷۶ - ۷۸).	عشق انسانی	عشق انسانی	
«وَمَنْ عَشِقَ شَيْئًا أَعَشَى (أَعْمَى) بَصَرَهُ» (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۶۰).	نادیده‌انگاری		
«حُبُّكَ لِلشَّيْءِ يَغْمِي وَيَصُمُّ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۸۰).	محدودیت‌های معشوق		
«وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ * فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكًا وَأَتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ» (یوسف: ۳۰-۳۱).	بزرگ‌نمایی اغراق‌آمیز از معشوق		
«فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا»: قَدْ حَبَبَتْهَا حُبُّهُ عَنِ النَّاسِ فَلَا تَعْقِلُ غَيْرَهُ، وَالْحِجَابُ هُوَ الشَّغَافُ، وَالشَّغَافُ هُوَ حِجَابُ الْقَلْبِ» (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۵۷).			
«وَمَنْ عَشِقَ شَيْئًا أَعَشَى (أَعْمَى) بَصَرَهُ وَأَمْرَضَ قَلْبَهُ، فَهُوَ يَنْظُرُ بِعَيْنٍ غَيْرِ صَحِيحَةٍ، وَيَسْمَعُ بِأُذُنٍ غَيْرِ سَمِيعَةٍ، قَدْ خَرَقَتْ الشَّهَوَاتُ عَقْلَهُ» (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۶۰).	از بین رفتن تعقل و خردورزی		
«لَا تَسْتَشِيرُوا أَهْلَ الْعَشَقِ؛ فَلَيْسَ لَهُمْ رَأْيٌ، وَإِنْ قُلُوبُهُمْ مُحَرِّقَةٌ، وَفِكَرُهُمْ مُتَوَاصِلَةٌ، وَعُقُولُهُمْ سَالِيَةٌ» (دبلمی، ۱۴۰۶ق، ج ۵، ص ۳۸).			
«يُوسُفُ ۞ لَمَّا قَالَ لَهُ الشَّيْخَانِ إِنِّي لَجُحُكٌ - مَا أَصَابَنِي بَلَاءٌ إِلَّا مِنْ الْخُبِّ، إِنْ كَانَتْ عَمَّتِي (خَالَتِي) أَحَبَّتْنِي فَسَرَقْتَنِي، وَإِنْ كَانَ أَبِي أَحَبَّنِي فَحَسَدَنِي إِخْوَتِي، وَإِنْ كَانَتْ امْرَأَةُ الْعَزِيزِ أَحَبَّتْنِي فَحَبَسْتَنِي!» (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۵۴).	وجود رنج در ذات عشق		
«الْحُبُّ دَاعِيَ الْمَكَارِهِ» (دبلمی، ۱۴۰۸ق، ص ۳۰۸).			
«الهِجْرَانُ عُقُوبَةُ الْعَشَقِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۱۱).	پایان یافتن عشق با وصال		

واحد معنایی	زیرمقوله	مقوله	درون مایه
«إِنَّ أَعْلَمَ النَّاسِ بِاللَّهِ أَزْوَاجُهُمْ بِقَضَاءِ اللَّهِ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۱۵۵).	عدم شناخت	نادیده انگاری	
«أَحَقُّ خَلْقِ اللَّهِ أَنْ يَسْلَمَ لِمَا قَضَى اللَّهُ ﷻ: مَنْ عَرَفَ اللَّهَ ﷻ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۱۶۱).	معشوق حقیقی	معشوق حقیقی	
«مَنْ عَرَفَ اللَّهَ أَحَبَّهُ» (ورام، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۲).			
«إِنَّ مَعْرِفَةَ اللَّهِ ﷻ انْس مِنْ كُلِّ وَحْشَةٍ، وَصَاحِبٍ مِنْ كُلِّ وَحْدَةٍ، وَنُورٍ مِنْ كُلِّ ظُلْمَةٍ، وَقُوَّةٍ مِنْ كُلِّ ضَعْفٍ، وَشِفَاءٍ مِنْ كُلِّ سُقَمٍ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۵، ص ۵۶۳).			
«سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْعِشْقِ قَالَ قُلُوبٌ خَلَّتْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ حُبَّ غَيْرِهِ» (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۶۶۸).	فراموشی معشوق حقیقی		
«وَمَنْ أَغْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى» (طه: ۲۴).			
«كَيْفَ يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِناً وَهُوَ يَسْخَطُ قِسْمَهُ وَيَحْقِرُ مَنْزِلَتَهُ وَالْحَاكِمُ عَلَيْهِ اللَّهُ؟» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۱۶۲).	عدم باور به وجود معشوق حقیقی		
«اعْلَمُوا أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ عَبْدٌ مِنْ عَبِيدِهِ حَتَّى يَرْضَى عَنِ اللَّهِ فِيمَا صَنَعَ اللَّهُ إِلَيْهِ وَصَنَعَ بِهِ عَلَى مَا أَحَبَّ وَكَرِهَ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۵، ص ۲۴).			
«مَنْ لَمْ يَرْضَ بِالْقَضَاءِ دَخَلَ الْكُفْرَ دِيْنَهُ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۶۵۰).			
«الرِّضَا بِمَكْرُوهِ الْقَضَاءِ أَزْفَعُ دَرَجَاتِ الْيَقِينِ» (ابن شعبه، ۱۴۰۴ق، ص ۲۷۸).			
«أَجْدَرُ الْأَشْيَاءِ بِصِدْقِ الْإِيمَانِ: الرِّضَا وَالتَّسْلِيمُ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۸۰).			
«كَيْفَ يَرْضَى بِالْقَضَاءِ مَنْ لَمْ يَصْدُقْ بِقِيْنَتِهِ؟!» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۵۱۷).			
«وَمِنْ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَاداً يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرَوْنَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ» (بقره: ۱۶۵).	عدم توجه به قدرت معشوق حقیقی		
«قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ نَفْعاً وَلَا ضَرّاً» (رعد: ۱۶).			
«مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ وَمَا الَّذِي فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ لَقَدْ خَابَ مَنْ رَضِيَ دُونَكَ بَدَلًا» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۵، ص ۲۲۶).	عدم توجه به کمال معشوق حقیقی		
«يَا أَصْمَدُ مِنْ كُلِّ صَمَدٍ يَا أَكْمَلَ مِنْ كُلِّ كَامِلٍ يَا أَتَمَّ مِنْ كُلِّ تَامٍ» (کفعمی، ۱۴۰۵ق، ص ۲۵۰).	ترجیح محبت دیگران بر خداوند		
«لَوْ أَنَّ رِجَالًا تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ بِصِدْقِ النَّبِيَّةِ لَاحْتَأَجَّتْ إِلَيْهِ الْأُمُورُ مِنْ دُونِهِ، فَكَيْفَ يَحْتَاجُ هُوَ وَمَوْلَاهُ الْغَنَى الْحَمِيدُ؟!» (طبرسی، ۱۳۸۵، ص ۱۸).			
«قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنْ			

واحد معنایی	زیرمقوله	مقوله	درون مایه
اللَّهُ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» (توبه: ۲۴). «وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يَجْعَلُونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يوقِ شَحْنَنَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (حشر: ۹). «أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطَلُّمَ الْقُلُوبِ» (رعد: ۲۸) «وَمَنْ عَشِقَ شَيْئًا... أَمَاتَتِ الدُّنْيَا قَلْبَهُ وَوَلِهَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَهُوَ عَبْدٌ لَهَا» (شريف الرضى، ۱۴۱۴ق، ص ۱۶۰). «زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَالِ» (آل عمران: ۱۴) «مَنْ عَشِقَ شَيْئًا... أَمَاتَتِ الدُّنْيَا قَلْبَهُ... فَهُوَ عَبْدٌ لَهَا وَلِمَنْ فِي يَدَيْهِ شَيْءٌ مِنْهَا حَيْثُمَا زَالَ إِلَيْهَا وَحَيْثُمَا أَقْبَلَتْ أَعْبَلَتْ» (شريف الرضى، ۱۴۱۴ق، ص ۱۶۰). «مَنْ عَشِقَ شَيْئًا... حَيْثُ لَا إِقَالَه [لَهُمْ] وَلَا رَجْعَةً كَيْفَ نَزَلَ بِهِمْ مَا كَانُوا يَجْهَلُونَ وَجَاءَهُمْ مِنْ فِرَاقِ الدُّنْيَا مَا كَانُوا يَأْمُنُونَ وَقَدِمُوا مِنَ الْآخِرَةِ عَلَىٰ مَا كَانُوا يُوْعَدُونَ فَغَيَّرَ مَوْصُوفٍ مَا نَزَلَ بِهِمْ اجْتَمَعَتْ عَلَيْهِمْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ وَحَسْرَةُ الْقَوْتِ فَتَنَّتْ لَهَا أَطْرَافُهُمْ وَتَغَيَّرَتْ لَهَا أَلْوَانُهُمْ ثُمَّ إِذَا دَا الْمَوْتُ فِيهِمْ وَلُوجًا» (شريف الرضى، ۱۴۱۴ق، ص ۱۶۰). «اعْلَمُوا أَنَّمَا الْخَيْرُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَأُهُ ثُمَّ يَهَيِّجُ فِتْنَتَهُ مُضْغَرًّا ثُمَّ يَكُونُ خُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْخَيْرُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ» (حديد: ۲۰). «زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَالِ» (آل عمران: ۱۴). «قُلِ الْأَنْبِيَاءُ بِخَيْرٍ مِنْ ذَلِكَ لِيَذِينَ اتَّقُوا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» (آل عمران: ۱۵). «يَا قَوْمِ إِنَّمَا هِيَ دُنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ» (غافر: ۳۹). «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (قصص: ۸۸). «موسى عليه السلام - في مناجاته - : أَي رَبِّ، أَي خَلْقِكَ أَحَبُّ إِلَيْكَ؟ قَالَ: مَنْ إِذَا اخْتُدْتُ حَبِيبَهُ سَأَلْتَنِي قَالَ فَأَيَّ خَلْقِكَ أَنْتَ عَلَيْهِ سَاخِطٌ قَالَ مَنْ يَشْتَحِيئُنِي فِي الْأَمْرِ فَإِذَا قَضَيْتُ لَهُ سَخِطَ قَضَائِي» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۹، ص ۹۰).	دل بستگی شدید به زندگی دنیا شیفتگی به زندگی دنیا عدم توجه به واقعیت موقتی زندگی دنیا عدم توجه به زندگی ابدی بعد از دنیا تعارض پیدا کردن با خداوند شناخت‌های تداوم بخش عوامل تداوم بخش		

واحد معنایی	زیرمقوله	مقوله	درون‌مایه
«عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (بقره: ۲۱۶).			
«مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (تغابن: ۱۱).	عدم توجه به حکمت خداوند		
«مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَيْنَكُمْ وَاللَّهُ ابْحُثْ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ» (حجید: ۲۲-۲۳).			
«وَلَوْ لَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا سَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِنْ تَرَىٰ أَنَا أَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا» (کهف: ۳۹).			
«مَنْ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ لَا يَغْلِبْ وَمَنْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ لَا يُهْزَمُ» (طبرسی، ۱۳۸۵، ص ۱۷).	عدم توکل به خداوند		
«مَنْ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ ذَٰلِكَ لَهُ الصِّعَابُ وَتَسَهَّلَتْ عَلَيْهِ الْأَسْبَابُ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۶۵۶).	سختی‌ها		
«وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (طلاق: ۳).			
«لَمَّا سُئِلَ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»: التَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ دَرَجَاتٌ؛ مِنْهَا أَنْ تَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ فِي أُمُورِكَ كُلِّهَا، فَمَا فَعَلَ بِكَ كُنْتَ عَنْهُ رَاضِيًا، تَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَأْلُوكَ خَيْرًا وَفَضْلًا، وَتَعْلَمُ أَنَّ الْحُكْمَ فِي ذَلِكَ لَهُ، فَتَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ بِتَفَوُّيْضِ ذَلِكَ إِلَيْهِ، وَتُؤَيِّدُ بِهِ فِيهَا وَفِي غَيْرِهَا» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۱۶۸).			
«لَيْسَ لِمُتَوَكِّلٍ غِنَاءٌ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۵۵۶).			
«خِيَارُ أُمَّتِي الَّذِينَ يَعْقُونَ إِذَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنَ الْبَلَاءِ شَيْئًا. قَالُوا: وَآيُ الْبَلَاءِ؟ قَالَ: الْعَشِيُّ» (متقی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۳۷۳).	عدم نگاه آزمایش‌محور به زندگی		
«مَا مِنْ قَبْضٍ وَلَا بَسْطٍ إِلَّا وَلِلَّهِ فِيهِ الْمَنْ وَالْإِتِلَاءُ» (ابن بابویه، ۱۳۹۸، ص ۳۵۴).			
«إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» (آل عمران: ۲۲). یا در آیه دیگری: «أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يَتَزَكَّوْا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» (عنکبوت: ۲).			
«أَجِبْ حَبِيبِكَ هُوْنًا مَا عَسَى أَنْ يَكُونَ بَغِيضَكَ يَوْمًا وَأَبْغَضَ بَغِيضَكَ هُوْنًا مَا عَسَى أَنْ يَكُونَ حَبِيبَكَ يَوْمًا» (ابن‌اشعث، بی‌تا، ص ۲۳۳).	امکان سوءاستفاده بعد جدایی		

جهت حصول معیار «اتکاپذیری» از متخصصان درخواست شد تا یافته‌های برگرفته از مصاحبه‌ها را مورد ارزیابی قرار بدهند. میزان ارتباط یا مطابقت یافته‌ها با محتوای مورد نظر با محاسبه «شاخص روایی محتوایی» (CVI) سنجیده شد. در این بخش، ابتدا ویژگی‌های جمعیت‌شناختی متخصصان در بخش سبب‌شناسی حاصل از منابع اسلامی مورد بررسی و سپس

نتایج حاصل از روایی سنجی آنها گزارش می‌شود. در جدول ۲ نتایج میزان ارتباط مستندات با زیر مقولات و میزان تناسب زیر مقولات با مقولات مرحله اول توسط ۱۰ متخصص ارائه شده است.

جدول ۲: روایی سنجی حرکت از مستند به زیر مقوله و از زیر مقوله به مقوله در منابع اسلامی

مقولات	زیر مقولات	میزان مطابقت هر زیر مقوله با مستندات			میزان تناسب هر زیر مقوله با مقولات		
		تعداد کارشناسان موافق	تعداد کارشناسان مخالف	CVI	تعداد کارشناسان موافق	تعداد کارشناسان مخالف	CVI
خصوصیات عشق انسانی	فناپذیری عشق انسانی	۱۰	۰	۱	۱۰	۰	۱
	نادیده‌انگاری محدودیت‌های معشوق	۱۰	۰	۱	۱۰	۰	۱
	بزرگ‌نمایی اغراق آمیز از معشوق از بین رفتن تعقل و خردورزی	۹	۱	۰/۹۰	۱۰	۰	۱
نادیده‌انگاری معشوق حقیقی	وجود رنج در ذات عشق	۹	۱	۰/۹۰	۱۰	۰	۱
	پایان یافتن عشق با وصال	۷	۳	۰/۷۰	۱۰	۰	۱
	عدم شناخت معشوق حقیقی	۱۰	۰	۱	۱۰	۰	۱
شیفتگی به زندگی دنیا	فراموشی معشوق حقیقی	۱۰	۰	۱	۱۰	۰	۱
	عدم باور به وجود معشوق حقیقی	۹	۱	۰/۹۰	۱۰	۰	۱
	عدم توجه به قدرت معشوق حقیقی	۱۰	۰	۱	۱۰	۰	۱
شناخت‌های تداوم‌بخش	عدم توجه به کمال معشوق حقیقی	۱۰	۰	۱	۱۰	۰	۱
	ترجیح محبت دیگران بر خداوند	۹	۱	۰/۹۰	۹	۱	۰/۹۰
	دل‌بستگی شدید به زندگی دنیا	۱۰	۰	۱	۱۰	۰	۱
عدم نگران	شیفتگی به متعلقات معشوق از زندگی دنیا	۱۰	۰	۱	۱۰	۰	۱
	عدم توجه به واقعیت موقتی زندگی دنیا	۱۰	۰	۱	۱۰	۰	۱
	عدم توجه به زندگی ابدی بعد از دنیا	۱۰	۰	۱	۱۰	۰	۱
آزمایش‌محور به زندگی	تعارض با خداوند	۱۰	۰	۱	۱۰	۰	۱
	عدم توجه به حکمت خداوند	۱۰	۰	۱	۱۰	۰	۱
	عدم توکل به خداوند در سختی‌ها	۱۰	۰	۱	۱۰	۰	۱
امکان سوءاستفاده بعد از جدایی	عدم نگران	۱۰	۰	۱	۱۰	۰	۱
	آزمایش‌محور به زندگی	۸	۲	۰/۸۰	۱۰	۰	۱

همان‌طور که از جدول ۲ مشخص است، میزان مطابقت هر زیرمقوله با مستندات در همه عوامل به جز یک عامل، از روایی محتوایی مناسبی برخوردار است. نمره CVI در عامل «پایان یافتن عشق با وصال» نمره ۰/۷۰ را کسب کرده که از مقدار CVI بحرانی، یعنی ۰/۷۸ کمتر است و به همین دلیل این عامل از نتایج سبب‌شناسی در منابع اسلامی حذف شد، اما در دیگر عوامل، در شاخص CVI، نمره مطابقت هریک از آنها با مستندات ۰/۸۰ و بالاتر ارزیابی شده است؛ بنابراین نمره آنها بالاتر از مقدار CVI بحرانی، یعنی ۰/۷۸ است و مطابقت این زیرمقوله‌ها با مستندات منابع اسلامی در سبب‌شناسی تأیید شد. همچنین میزان تناسب هر زیرمقوله با مقولات، نمره روایی محتوایی مناسبی گرفته است؛ از این رو تناسب تمام زیرمقولات با مقولات نیز در سبب‌شناسی شکست عاطفی در منابع اسلامی تأیید می‌شود.

در ادامه، در جدول ۳ میزان تناسب مقولات با درون‌مایه‌ها از نظر کارشناسان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جدول ۳: روایی سنجی حرکت از مقوله به درون‌مایه در منابع اسلامی			
درون‌مایه	مقوله	میزان تناسب هر مقوله با درون‌مایه	
		تعداد کارشناسان موافق	تعداد کارشناسان مخالف CVI
عوامل علی	خصوصیات عشق انسانی	۹	۱ ۰/۹۰
	نادیده‌انگاری معشوق حقیقی	۸	۲ ۰/۸۰
	شیفتگی به زندگی دنیا	۸	۲ ۰/۸۰
عوامل تداوم‌بخش	شناخت‌های تداوم‌بخش	۱۰	۰ ۱

همان‌طور که از جدول ۳ مشخص است، میزان تناسب هر مقوله با درون‌مایه‌ها از مقدار CVI مناسبی برخوردار است؛ به شکلی که نمره CVI هریک ۰/۸۰ و بالاتر توسط متخصصان ارزیابی شده است؛ بنابراین میزان تناسب هر مقوله با درون‌مایه‌ها در سبب‌شناسی شکست عاطفی در منابع اسلامی تأیید شد.

در ادامه، در جدول ۴ میزان تناسب درون‌مایه‌ها با هسته اصلی پژوهش در این بخش، یعنی سبب‌شناسی شکست عاطفی در منابع اسلامی از نظر کارشناسان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جدول ۴: روایی سنجی حرکت از درون مایه ها به هسته اصلی این بخش در منابع اسلامی

هسته اصلی	درون مایه ها	میزان تناسب هر درون مایه با هسته اصلی	تعداد کارشناسان موافق	تعداد کارشناسان مخالف	CVI
سبب شناسی شکست عاطفی	عوامل علی	۱۰	۰	۱	۱
	عوامل تداوم بخش	۱۰	۰	۱	۱

همان طور که از جدول ۵ مشخص است، میزان تناسب هر درون مایه با هسته اصلی پژوهش در این بخش، از مقدار CVI مناسبی برخوردار است؛ بنابراین میزان تناسب هر درون مایه با هسته اصلی مطالعه در آن بخش نیز تأیید می شود.

در مجموع، سبب شناسی شکست عاطفی با ۵۵ خلاصه، ۲۰ زیر مقوله، ۴ مقوله و ۲ درون مایه به پایان رسید.

در نمودار ۲ سبب شناسی نهایی بر اساس منابع اسلامی ارائه شده است.



نمودار ۲: نمودار سبب شناسی شکست عاطفی در منابع اسلامی

نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج حاصل از بررسی منابع اسلامی مشخص شد عوامل علی در سبب‌شناسی شکست عاطفی به سه بخش خصوصیات عشق انسانی، نادیده‌انگاری معشوق حقیقی و شیفتگی به زندگی دنیا تقسیم می‌شود.

اولین مقوله عوامل علی، خصوصیات عشق انسانی می‌باشد. زیر مقوله اول از خصوصیات عشق انسانی، فناپذیری ذات عشق انسانی می‌باشد. از متون اسلامی می‌توان برداشت کرد که یکی از خصوصیات عشق انسانی این است که در ذات خود محدود و فانی می‌باشد^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۱۱). عشق انسانی، در نهایت، به دلایلی موقتی است و به زودی به پایان می‌رسد؛ چراکه انسان‌ها با محدودیت‌ها و نواقص معشوق آشنا می‌شوند. همچنین در قرآن کریم حضرت ابراهیم علیه السلام با مشاهده اجرام آسمانی (ستاره، ماه و خورشید) که ابتدا ظاهر شده و سپس غروب می‌کنند، به ناپایداری آنها پی برده و نتیجه می‌گیرد که معبود واقعی نمی‌تواند چیزی باشد که زوال‌پذیر است. معشوق انسانی، اگرچه ممکن است در ابتدا بی‌نقص و کامل به نظر برسد، همچون اجرام آسمانی، زوال‌پذیر و گذرا می‌باشد^۲ (انعام: ۷۷ - ۷۸). در تبیین این یافته، علامه مجلسی (۱۴۰۳، ج ۷۰، ص ۲۵۳) عشق حیوانی و جسمانی را به مجرد وصال از بین رفتنی و مذموم دانسته که به همین علت برخی حکیمان آن را نوعی مالیخولیا و جنون دانسته‌اند؛ درحالی‌که باور دارد عشق حقیقی تا ابد ادامه پیدا کرده و از بین رفتنی نمی‌باشد و این قسم عشق از برترین کمالات و سعادت‌های انسان می‌باشد. رفیق الاسلام (۱۳۹۳) در مطالعه خود عشق انسانی را مجازی، مادی و زودگذر توصیف کرده که از ثبات و دوام برخوردار نبوده و در تمایلات نفسانی ریشه دارد. از نظر درمان چندبعدی معنوی نیز، موجودی می‌تواند حکم موضوع را پیدا کند که به‌طور واقعی و حقیقی بتواند تکیه‌گاه قابل اعتماد، واحد و وحدت‌بخش، پایدار، افول‌ناپذیر، در دسترس، فسادناپذیر، حمایتگر و یاری‌دهنده، هدایتگر، ترغیب‌کننده، مولد، حاضر، پرورش‌دهنده، توانمند، دانا، همسو و همدل نسبت به انسان باشد. رابطه با چنین موضوعی می‌تواند به وحدت روان‌شناختی و سازمان‌دهی روانی توحید‌یافته بیانجامد. سرمایه‌گذاری روانی بر موضوعاتی که واجد ویژگی‌های گفته‌شده نیستند مانند معشوق انسانی، افراد را از نظر عاطفی آسیب‌پذیر می‌کند (جان‌بزرگی، ۱۳۹۸، ص ۲۰۲). همچنین بر اساس مطالعه ایستویک و

۱. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الْهَجْرَانُ عُقُوبَةُ الْعَشْقِ»

۲. قرآن کریم می‌فرماید: «فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَىٰ كَوْكَبًا قَالَ هَٰذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْآلِئِينَ فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِعًا قَالَ هَٰذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَيْنَ لَمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ فَلَمَّا رَأَى السَّمَسَ بَازِعَةً قَالَ هَٰذَا رَبِّي هَٰذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ» (انعام: ۷۶ - ۷۸)

همکاران^۱ (۲۰۲۳) باورهای غیرواقع‌بینانه درباره عشق ابدی (مانند این باور که عشق انسانی باید همیشه پایدار بماند) با سطوح بالاتر پریشانی پس از شکست عاطفی مرتبط است.

زیرمقوله دیگر، نادیده‌انگاری محدودیت‌های معشوق است که این زیرمقوله با پژوهش رفیق‌الاسلام (۱۳۹۳) و منطقی (۱۳۹۰) همسو است. در متون اسلامی به این مطلب اشاره شده است که وقتی فردی عاشق می‌شود، عشق منجر می‌شود که چشمان فرد بر روی نقص‌ها و عیوب معشوق بسته شود^۲ (شرف‌الرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۶۰؛ ابن‌بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۸۰). در این احادیث به کور و کر شدن چشمان فرد عاشق اشاره شده است که کنایه از ندیدن عیوب و نقص‌های فرد معشوق است. این نادیده‌انگاشتن عیوب، پس از پایان رابطه، به منبعی از رنج و پریشانی تبدیل می‌شود؛ چراکه فرد نه تنها یک رابطه را از دست داده، بلکه باورهای عمیقی که درباره معشوق در ذهن خود ساخته بوده است نیز دچار فروپاشی می‌شود. منطقی (۱۳۹۰، ص ۴۴) ادراک آرمان‌گرایانه از محبوب را از علائم آغازین عشق شورانگیز دانسته و توضیح داده که در این افراد مشکلات رفتاری محبوب به‌گونه‌ای مثبت و مورد پذیرش، در نظر گرفته می‌شود. از نظر این مطالعه از خواص عشق، ندیدن عیوب معشوق در چشم عاشق است، مگر هنگامی که عشق کاهش پیدا کند و این حالت در افراد مبتلا به عشق، چنان عمیق است که گاه حتی در برابر نقد دوستان و اطرافیان، سرسختانه مقاومت کرده و دست به نفی و انکار فهم و ادراک آنها می‌زنند. همچنین در این مطالعه بررسی تطبیقی بیانات دختران و پسران در این زمینه، حکایت از آن دارد که اگرچه تعدادی از پسران نیز مانند دختران از برداشت ادراک آرمان‌گرایانه خویش نسبت به معشوق خود یاد کرده‌اند، اما در مجموع ادراک آرمان‌گرایانه کمتری را در قیاس با دختران گزارش کرده‌اند و خاطرنشان کردند که از ابتدای عشق، متوجه برخی از عیوب و نقایص فرد مقابل خود بوده‌اند.

بزرگ‌نمایی اغراق‌آمیز از معشوق، زیرمقوله دیگر از خصوصیات عشق انسانی می‌باشد. در قرآن کریم در داستان عشق زن عزیز مصر به یوسف علیه السلام، وقتی زن عزیز مصر زنان شهر را دعوت می‌کند و یوسف علیه السلام را به آنها نشان می‌دهد، آنها از جمال یوسف علیه السلام چنان متحیر می‌شوند که داستان خود

1. Eastwick, P. W., Joel, S., Carswell, K. L., Molden, D. C., Finkel, E. J. & Blozis, S. A.

۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «حُبُّكَ لِلشَّيْءِ يَغْمِي وَيَصْمُ» (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۸۰)؛ امام علی علیه السلام می‌فرماید: «وَمَنْ عَشِقَ شَيْئاً أَغْمِيَ (أَعْمَى) بَصَرُهُ» (شرف‌الرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۶۰)

را می‌برند و او را به فرشته‌ای تشبیه می‌کنند^۱ (یوسف: ۳۰ - ۳۱). این داستان نشان می‌دهد که چگونه عشق شدید می‌تواند باعث شود که فرد واقعیت‌ها را نبیند و به بزرگ‌نمایی اغراق‌آمیز معشوق بپردازد. در تفسیر آیات بالا امام باقر علیه السلام به این نکته اشاره می‌کند که عشق شدید می‌تواند مانند حجابی باشد که دید و قضاوت فرد را مختل کند. این حالت باعث می‌شود که فرد نتواند به واقعیت‌ها به درستی توجه کند و همه چیز را از منظر عشق خود ببیند^۲ (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۵۷). از متفکران مسلمان نیز، ابن عربی (۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۴۸۷) در توصیف عشق و آثار وجودی آن بیان می‌کند که عشق هنگامی که تمامی وجود عاشق را فرا بگیرد، در تمام ذرات جسم، قوا و روح فرد نفوذ می‌کند و مانند خون در رگ‌ها و گوشت او جریان می‌یابد. با هستی عاشق پیوند خورده و چنان از نگاه او بزرگ‌نمایی شده که جایی برای غیر معشوق در ذهن او باقی نمی‌گذارد. در ادامه به داستان زلیخا اشاره کرده که با ریختن قطرات خونس بر روی زمین، با هر قطره نام یوسف علیه السلام را بر زبان می‌آورد. همچنین منطقی (۱۳۹۰، ص ۴۲) در مصاحبه خود با افراد عاشق به این نتیجه رسید که این افراد، معشوق را در حد خدا و یا فرشتگان بالا برده و از معشوق با القابی چون «بهترین»، «کامل‌ترین»، «خوب‌ترین»، «زیباترین»، «پاک‌ترین»، «پر شکوه‌ترین» و «با اخلاق‌ترین» نام برده‌اند.

دیگر زیرمقوله، از بین رفتن تعقل و خردورزی عنوان شده است. در متون اسلامی به وضوح تأکید شده است که عشق شدید باعث اختلال در عملکرد شناختی فرد می‌شود^۳ (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۶۰). او دیگر نمی‌تواند واقعیت را آن‌گونه که هست ببیند و بشنود؛ زیرا پرده‌ای از هیجان و دل‌بستگی بر درک او کشیده شده است. فرد عاشق با چشمی ناسالم می‌نگرد و با گوش‌ی ناشنوا می‌شنود؛ یعنی نمی‌تواند واقعیت‌ها را آن‌گونه که هستند درک کند. همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله توصیه می‌کنند که نباید از افراد دچار عشق شدید مشورت خواست؛ زیرا قدرت تصمیم‌گیری

۱. قرآن کریم می‌فرماید: «وَقَالَ يَسُوْفُ فِي الْمَدِيْنَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيْزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا اِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلَالٍ مُّبِيْنٍ * فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ اَرْسَلَتْ اِلَيْهِنَّ وَاَعْتَدَتْ لَهُنَّ مَكْثًا وَاَتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سَكِيْنًا وَقَالَتِ الْخُرُجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا وَاْتَهُ اَكْبَرُهُنَّ وَفَطْنَتْ اَيُّدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلّٰهِ مَا هَذَا بَشَرًا اِنْ هَذَا اِلَّا مَلَكٌ كَرِيْمٌ» (یوسف: ۳۰ - ۳۱)

۲. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «فِي قَوْلِهِ تَعَالٰی: «قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا»: قَدْ حَبَبَتْهَا حُبُّهُ عَنِ النَّاسِ فَلَا تَعْقِلُ غَيْرَهُ، وَالْحِجَابُ هُوَ الشَّغَافُ، وَالشَّغَافُ هُوَ حِجَابُ الْقَلْبِ».

۳. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «وَمَنْ عَشِقَ شَيْئًا اَعْمٰى (اعمى) بَصَرَهُ وَاَمْرَضَ قَلْبَهُ، فَهُوَ يَنْظُرُ بِعَيْنٍ غَيْرِ صَحِيْحَةٍ، وَيَسْمَعُ بِاُذُنٍ غَيْرِ سَمِيْعَةٍ، قَدْ خَرَقَتْ الشَّهَوَاتُ عَقْلَهُ».

منطقی و استدلالی خود را از دست داده‌اند^۱ (دیلمی، ۱۴۰۶ق، ج ۵، ص ۳۸). این نکته به‌خوبی نشان می‌دهد که عشق بیش از حد، به‌ویژه عشقی که به نوعی شیفتگی و وابستگی شدید منجر شود، می‌تواند تعقل را سلب کند. برخی مطالعات (مانند مراغه‌چیان، بنی‌هاشم و مظاهری، ۱۳۹۱) نیز از بین رفتن عقل و تفکر از ویژگی‌های عشق مجازی مذموم دانسته‌اند و باور دارند که قسمی از عشق وجود دارد که محرک عقل است و با جهت‌گیری عقل شعله‌ور می‌شود و فرد را به‌سوی بندگی محبوب حقیقی، یعنی خداوند سوق می‌دهد و این همان قسم عشق ممدوح است. مولوی (۱۳۷۹، ص ۴۳۹) از مشهورترین شعرای ادبیات عرفانی ایران نیز واقعیت عشق را کورکننده و کرکننده دانسته و باور دارد عاشق نسبت به هر شنیده‌ای غیر از کلام معشوق ناشنوا و نسبت به هر دیدنی غیر از وجود معشوق نابینا می‌شود تا توجه خالص او به‌سوی معشوق باشد و از او دور نشود.

وجود رنج در ذات عشق، دیگر زیرمقوله است. در منابع اسلامی به این مطلب اشاره شده است که حضرت یوسف علیه السلام بیان می‌کنند که تمام رنج‌های زندگی ایشان از علاقه و محبت اطرافیان سرچشمه گرفته است^۲ (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۵۴). در حدیث دیگری بیان می‌شود که عشق و دل‌بستگی، برخلاف تصور عمومی که آن را منبع آرامش و لذت می‌دانند، می‌تواند منشأ مشکلات و سختی‌ها نیز باشد^۳ (دیلمی، ۱۴۰۸ق، ص ۳۰۸). دلیل این امر می‌تواند این موضوع باشد که هر نوع عشق و وابستگی، نوعی نیاز عاطفی ایجاد می‌کند و در صورت عدم برآورده شدن یا از بین رفتن آن، فرد دچار رنج و بحران عاطفی می‌شود. فروم (۱۳۹۲، ص ۱۱۵) نیز رنج و عشق را جدایی‌ناپذیر دانسته و عاشق را ملزم به تحمل سختی‌هایی می‌داند. او با اشاره به داستان حضرت یوسف علیه السلام در کتاب مقدس، نتیجه می‌گیرد که ذات عشق، رنج بردن برای چیزی و تلاش برای پروردن آن است. به باور فروم، انسان رنج آن چیزی را بر خود هموار می‌کند که عاشق آن باشد. او با تأکید بر تجلی عشق مادرانه، به این نکته اشاره می‌کند که مادر با مسئولیت‌پذیری عمیق، هرگونه رنج و مشقت را به جان می‌خرد تا هم از فرزندش محافظت کند و هم زمینه رشد و پرورش او را فراهم سازد. همچنین گوته (۱۳۴۳، ص ۶۲) عشق را شگفت‌انگیزترین کتاب جهان دانسته که دارای چند صفحه کوتاه

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «لَا تَسْتَشِيرُوا أَهْلَ الْعِشْقِ؛ فَلَيْسَ لَهُمْ رَأْيٌ، وَإِنْ قُلُوبُهُمْ مُحَرِّقَةٌ، وَفِكَرُهُمْ مُتَوَاصِلَةٌ، وَغُفُولُهُمْ سَالِبَةٌ».

۲. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «يُوسُفُ عليه السلام - لَمَّا قَالَ لَهُ السَّجَّانُ إِنِّي لَأَجِبُكَ - مَا أَصَابَنِي بَلَاءٌ إِلَّا مِنْ الْحُبِّ، إِنْ كَانَتْ عَمَّتِي

(خَالَتِي) أَحَبَّتْنِي فَسَرَّعَتْنِي، وَإِنْ كَانَ أَبِي أَحَبَّتْنِي فَحَسَدَنِي إِخْوَتِي، وَإِنْ كَانَتْ امْرَأَةُ الْعَزِيزِ أَحَبَّتْنِي فَحَبَسَتْنِي!».

۳. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «الْحُبُّ دَاعِيَ الْمَكَارِهِ».

وصف شادی و چندین دفتر داستان غم است. فصل هجران و دوری آن، فصلی بلند و فصل رسیدن و وصالش، فصلی کوتاه است. از متفکران مسلمان حافظ نیز، رنج و بلا را در عشق سرنوشتی گریزناپذیر دانسته و عشق در دیوان او رنگ غم و درد دارد. او عشق را آتشی سوزان دانسته که آرامش و قرار را از فرد عاشق می‌گیرد؛ بنابراین فردی که در راه عشق قدم می‌گذارد، خود را به امواج رنج و درد می‌سپارد (ستاری، ۱۳۵۴، ص ۸۶).

مقوله نادیده‌انگاری معشوق حقیقی، دیگر مقوله از سبب‌شناسی شکست عاطفی است که زیرمقوله اول آن، عدم شناخت معشوق حقیقی است. منابع اسلامی تصریح می‌کنند که کسی که به شناخت خداوند دست یابد، به قضای الهی راضی خواهد بود^۱ (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۱۵۵؛ ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۱۶۱). این بدان معناست که اگر فردی در مواجهه با شکست عاطفی دچار بحران و پریشانی شدید می‌شود، نشان‌دهنده آن است که او شناخت عمیقی از خداوند ندارد؛ زیرا چنین شناختی، منجر به باور به حکمت الهی و پذیرش وقایع زندگی، از جمله فقدان‌های عاطفی می‌شود. علاوه بر این، منابع اسلامی تأکید دارند که شناخت خداوند، خود سرچشمه آرامش و جایگزینی برای هر فقدان است^۲ (ورام، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۲). همچنین در متون اسلامی، شناخت خداوند به‌عنوان مونس تنهایی و یار حقیقی انسان معرفی شده است^۳ (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۵، ص ۵۶۳). این احادیث بیانگر آن است که وقتی فردی خدا را بشناسد و او را معشوق حقیقی بداند، عشق به خدا جایگزین دل‌بستگی‌های ناپایدار دنیوی می‌شود؛ در نتیجه، شکست‌های عاطفی که برای بسیاری موجب تنهایی و رنج شدید می‌شود، برای چنین فردی به فرصتی برای حرکت به سمت خداوند تبدیل خواهد شد. محمدی‌ری‌شهری (۱۳۹۳، ص ۱۵۸) معرفت شهودی (نه برهانی) به خداوند را عامل عشق به او دانسته و باور دارد چنین شناختی باعث می‌شود فرد متوجه شود تمام خوبی‌ها در خداوند جمع است و عاشق او شود. غزالی نیز به اهمیت داشتن شناخت برای عشق‌ورزی تأکید می‌کند و شرط عشق به خداوند را شناخت او و خود معرفی می‌کند. شرط چنین

۱. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنْ أَعْلَمَ النَّاسُ بِاللَّهِ أَضَاهُمْ بِقَضَاءِ اللَّهِ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۱۵۵)؛ امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «أَحَقُّ خَلْقِ اللَّهِ أَنْ يَسَلَّمَ لِمَا قَضَى اللَّهُ عَلَيْهِ مَنْ عَرَفَ اللَّهَ عَلَيْهِ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۱۶۱).

۲. امام حسن علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ عَرَفَ اللَّهَ أَحَبَّهُ».

۳. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ مَعْرِفَةَ اللَّهِ تَهْدِي إِلَى مَعْرِفَةِ نَفْسِكَ مِنْ كُلِّ وَحْشَةٍ، وَصَاحِبٍ مِنْ كُلِّ وَحْدَةٍ، وَتُورِّثُ مِنْ كُلِّ ظُلْمَةٍ، وَقُوَّةً مِنْ كُلِّ ضَعْفٍ، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ سُقْمٍ».

شناختی نیز، طرد شهرت طلبی است. در حقیقت، او معتقد است به دنبال شهرت نرفتن، سبب می شود انسان هدف حقیقی خود و در نتیجه منشأ حقیقی وجود خود را که خداوند است بشناسد (آبراهاموف، ۱۳۸۸، ص ۶۷). همچنین نتایج حاصل از پژوهش ابراهیم نژاد (۱۳۹۰) نشان داد زندگی افرادی که بر اثر شکست در عشق مجازی به عشق حقیقی سوق یافته شاهد این است که تا زمانی افراد درگیر عشق مجازی می باشند که از عشق حقیقی بی خبر باشند.

فراموشی معشوق حقیقی، زیر مقوله دیگر آن است. متون اسلامی اشاره می کنند که وابستگی عاطفی افراطی به دیگران، ریشه در غفلت از خداوند دارد^۱ (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۶۶۸). هنگامی که فرد از معشوق حقیقی غافل می شود، جایگاه عشق درونی او را دیگران پر می کنند، اما از آنجاکه این عشق های دنیوی ناپایدار و فناپذیر هستند، شکست در آنها به ناگزیر موجب رنج، اضطراب و سرگشتگی می شود. از سوی دیگر، قرآن کریم به این مطلب اشاره دارد که روی گردانی از یاد خداوند، زندگی را به حیات سخت و دشوار تبدیل می کند^۲ (طه: ۲۴). بنابراین می توان نتیجه گرفت که فراموشی یاد خداوند، فرد را در برابر شکست های عاطفی آسیب پذیرتر می کند. امین (۱۳۶۱، ج ۲، ص ۱۶۲) نیز از مفهوم آیه ۱۶۵ سوره بقره برداشت کرده که انسان ها به فطرت اولیه و به غریزه روحانی، خداوند را دوست دارند، اما پس از دور شدن از عالم ملکوت و پای گذاشتن در جهان مادی، این خطاب و دوست داشتن را فراموش می کنند. البته اثرات این محبت همواره در روح انسان باقی بوده و او را به سمت خداوند جذب می کند. این محبت قدیمی و ذاتی در صورت سلطه هواهای نفسانی به فراموشی سپرده خواهد شد و در اثر ترکیه نفس، از محبت ذاتی به محبت کسبی تبدیل خواهد شد (اسکندری وفائی، ۱۳۹۱).

ترجیح محبت دیگران بر خداوند زیر مقوله دیگر است. در متون اسلامی، محبت حقیقی به خداوند به عنوان والاترین نوع عشق معرفی شده است که باید بر تمام دل بستگی های دیگر ترجیح داده شود^۳ (توبه: ۲۴؛ حشر: ۹). اگر محبت الهی در اولویت باشد، فرد پس از شکست عاطفی، گرچه

۱. امام صادق (ع) می فرماید: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْعُشْقِ قَالَ قُلُوبُ خَلَتْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ حُبَّ غَيْرِهِ».

۲. قرآن کریم می فرماید: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى».

۳. قرآن کریم می فرماید: «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» (توبه: ۲۴)؛ «وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يَجِبُ عَلَى مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوَفِّ شَخْ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (حشر: ۹).

اندوهگین خواهد شد، اما دچار یأس و نابودی نخواهد شد؛ زیرا محور اصلی محبت او از بین نرفته است. اگر کسی محبت الهی را بر محبت مخلوقات ترجیح دهد، در تمام بحران‌های زندگی‌اش، از جمله شکست عاطفی، قلبش آرام خواهد بود و رضایت قلبی خواهد داشت^۱ (رعد: ۲۸). عین‌القضات همدانی (۱۳۵۵، ص ۱۸۲) نیز در تفسیر آیه ۲۴ سوره توبه، علامت محبت خداوند را آن دانسته که فرد از محبوبان دیگر خالی شود و همه دیگر محبت‌ها را کنار بگذارد. از نگاه او، زن، فرزند، مال و جاه همه از جمله محبوبانی است که اگر بر محبت خداوند ترجیح داده شوند، دیگر محبت خدا در قلب فرد جای ندارد.

مقوله دیگر از عوامل علی شکست عاطفی، شیفتگی به زندگی دنیا می‌باشد. در متون اسلامی، دل‌بستگی افراطی به معشوق، نوعی از مظاهر دنیا دوستی است^۲ (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۶۰). همچنین قرآن کریم بیان می‌دارد که محبت به زنان، فرزندان، مال و سایر امور دنیوی در ذات خود به‌عنوان بخشی از زندگی دنیا برای انسان آراسته شده است^۳ (آل‌عمران: ۱۴)؛ این بدان معناست که اگر فردی این محبت را در حد متعادل نگه ندارد و به‌جای آنکه این امور را ابزار زندگی ببیند، آنها را هدف اصلی قرار دهد، دل‌بستگی او به دنیا افزایش می‌یابد و تمام معنا و امید خود را بر پایه این عناصر بنا می‌کند. این رویکرد موجب می‌شود که وقتی رابطه به هر دلیلی از بین می‌رود، فرد احساس کند که یکی از اساسی‌ترین دارایی‌های خود را از دست داده و دچار رنج و اضطراب شدیدی شود. علامه طباطبایی (۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۰۷) در تفسیر آیه ۱۶۵ سوره بقره، دل‌بستگی مادی در زندگی دنیا برای انسان را ضروری دانسته، اما بیان می‌کند که فرع زندگی اصلی می‌باشد و نباید محبت غیرخداوند بر محبت و عشق او غلبه پیدا کند. این بیان در ادبیات شعر فارسی نیز وجود داشته و صالحی (۱۳۹۰) عشق مجنون به لیلی را شبیه عشق سالک حقیقی به خداوند توصیف کرده که در آن تا زمانی که سالک دل از دنیا و دل‌بستگی‌های آن نکند، نمی‌تواند به خداوند برسد و منتهای این حالت زمانی اتفاق می‌افتد که انسان جان‌به‌جان آفرین تسلیم کند. همچنین نظامی (۱۳۸۶)،

۱. قرآن کریم می‌فرماید: «لَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ».

۲. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «وَمَنْ عَشِقَ شَيْئًا... أَمَاتَتِ الدُّنْيَا قَلْبَهُ وَوَلِهَتْ عَلَيْهَا نَفْسَهُ فَهُوَ عَبْدٌ لَهَا».

۳. قرآن کریم می‌فرماید: «زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْخَرْبِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَاَبِ».

ص ۳۰۷) با مقایسه عشق خسرو و عشق فرهاد، به خواننده می‌فهماند که عشق فرهاد به شیرین، عشقی حقیقی و به دور از هرگونه غرض و قصد است، و تأکید می‌کند هرچه وابستگی انسان به دنیا بیشتر باشد، عاشق شدن و خالص ماندن در عشق برای او دشوارتر خواهد بود.

در مقوله شیفتگی به زندگی دنیا، زیرمقوله عدم توجه به واقعیت موقتی زندگی دنیا قرار دارد. در متون اسلامی عشق افراطی به دنیا و متعلقات آن، گویا به توهمی شیرین تشبیه شده است که فرد در آن احساس امنیت و پایداری می‌کند^۱ (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۶۰). در این حدیث، حضرت به لحظه‌ای اشاره می‌کنند که این فرد با فقدان مواجه می‌شود. او ناگهان چیزی را که به آن اطمینان داشت از دست می‌دهد و حقیقت ناپایدار دنیا را درک می‌کند. او حسرت می‌خورد که چرا چنین دل بسته شد و آرزو می‌کند که ای کاش این اندازه خود را وابسته نکرده بود. در واقع این بیان نشان می‌دهد فرد از ابتدا حقیقت ناپایدار دنیا را نادیده گرفته بود و اکنون ناگزیر در برابر آن سر تسلیم فرود می‌آورد. قرآن کریم نیز بیان می‌دارد که دنیا همانند گیاهی است که پس از رشد، زرد و پژمرده شده و به خاکستر تبدیل می‌شود^۲ (حدید: ۲۰). این تمثیل، به ماهیت زودگذر و غیر قابل اتکای دنیا اشاره دارد، اما فردی که این حقیقت را نادیده بگیرد، زندگی خود را بر اساس دل‌بستگی‌های ناپایدار می‌سازد و در مواجهه با فقدان، دچار سرخوردگی عمیق می‌شود. در باور حمدان^۳ (۲۰۰۸)، زندگی

در این جهان، فقط یک مرحله عبور است و باور به ماهیت موقتی زندگی دنیا، می‌تواند مقابله با چالش‌های زندگی را آسان‌تر نماید. این مسئله می‌تواند برای خنثی نمودن افکار ناسازگارانه مرتبط با ناامیدی، احساس درماندگی و همچنین تحمل رنج از دست دادن معشوق مورد استفاده قرار بگیرد. در تبیین این یافته، پسندیده (۱۳۸۸، ص ۲۳۷) نیز در مطالعه خود اشاره می‌کند که اگر انسان دنیا را اصیل بداند، در این صورت، کاستی‌ها و فقدان‌ها بسیار دردناک و غیر قابل تحمل خواهد شد؛ درحالی‌که زندگی دنیا اصالت ندارد و همه زندگی در آن معنا نمی‌شود. دنیا صرفاً گذرگاهی برای زندگی ابدی است. بخش بزرگی از رنج‌ها و مصیبت‌های افراد، مربوط به غیرمنتظره بودن آن است و غیرمنتظره بودن

۱. امام علی (ع) می‌فرماید: «مَنْ عَشِقَ شَيْئاً... حَيْثُ لَا إِقَالَةَ لَهُمْ [لَهُمْ] وَلَا رَجْعَةَ كَيْفَ نَزَلَ بِهِمْ مَا كَانُوا يَجْهَلُونَ وَجَاءَهُمْ مِنْ فِرَاقِ الدُّنْيَا مَا كَانُوا يَأْمُنُونَ وَقَدِمُوا مِنَ الْآخِرَةِ عَلَى مَا كَانُوا يُوْعَدُونَ فَغَيَّرَ مُؤْصَفٍ مَا نَزَلَ بِهِمْ اجْتَمَعَتْ عَلَيْهِمْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ وَخَسْرَةُ الْفُوتِ فَفَتَرَتْ لَهَا أَطْرَافُهُمْ وَتَغَيَّرَتْ لَهَا أَلْوَانُهُمْ ثُمَّ إِذَا دَاغَ الْمَوْتُ فِيهِمْ وَلُجُجاً».

۲. قرآن کریم می‌فرماید: «اعْلَمُوا أَنَّمَا الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُؤُكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ تَبَاطُهُ ثُمَّ يَهِيَجُ فِتْرَتُهُ مُصْغَرًا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْخَيْرُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ».

ناخوشی‌ها، در پایدار دانستن دنیا ریشه دارد. دنیا برای هر انسانی مساوی با عمر آن فرد است و این عمر محدود است، اما انسان، موقتی بودن عمر را برای خود و عزیزان خود انکار می‌کند؛ بنابراین هنگامی که فقدان و از دست دادن فرا می‌رسد، سخت اندوهگین و پریشان می‌شود.

زیرمقوله دیگر از مقوله شیفتگی به زندگی دنیا، عدم توجه به زندگی ابدی بعد از دنیا می‌باشد که با مطالعه شریفی فلاورجانی (۱۳۹۱) همسو می‌باشد. فقدان‌های دنیوی، از جمله شکست عاطفی، هنگامی که در چارچوب زندگی ابدی دیده شوند، از شدت پریشانی آن کاسته و فرد را به‌سوی آرامش سوق می‌دهند. متون گسترده‌ای در منابع اسلامی، انسان را به زندگی ابدی بعد از دنیا توجه می‌دهد^۱ (آل عمران: ۱۴ - ۱۵؛ غافر: ۳۹؛ قصص: ۸۸). اگر فرد باور داشته باشد که زندگی حقیقی و جاودانه، پس از دنیا آغاز می‌شود، وابستگی‌های افراطی انسانی کمتر او را دچار بحران می‌کنند. در تبیین این یافته، حمدان (۲۰۰۸) بیان می‌کند که اگرچه دغدغه‌ها و نگرانی‌های زندگی این دنیا می‌تواند طاقت‌فرسا باشد، اما اگر زندگی ابدی دغدغه اصلی فرد باشد، به‌احتمال بیشتری راضی و تسلیم خواست خداوند خواهد بود. با تمرکز بر جهان دیگر، فرد خود را برای ملاقات با خداوند در بهترین شرایط آماده می‌کند و هدف کسب موفقیت در جهان دیگر را بر دیگر موضوعات برتری می‌دهد و در آن جهت تلاش می‌کند. همچنین پسندیده (۱۳۸۸، ص ۱۶۹) باور دارد که توجه به واقعیت مرگ، تأثیر بسیار زیادی بر کاهش تنیدگی و استرس دارد. یادآوری مرگ، سختی‌های مشکلات را تحمل‌پذیرتر می‌کند. انسانی که خود را همیشه زنده تصور کند، رنج از دست دادن عزیزانی مانند معشوق را غیرقابل تحمل می‌داند. درحقیقت یادآوری زندگی ابدی بعد از دنیا نقش مدیریت‌کنندگی در خوشایندها و ناخوشایندهای زندگی دارد.

اولین مقوله از عوامل تداوم‌بخش، شناخت‌های تداوم‌بخش می‌باشند. زیرمقوله اول از مقوله شناخت‌های تداوم‌بخش، تعارضات معنوی می‌باشد. نتایج حاصل از منابع اسلامی^۲ (بقره: ۱۶؛

۱. قرآن کریم می‌فرماید: «رُئِيَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْخَرْبِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ * قُلْ أَتُنَبِّئُكُمْ بِخَيْرٍ مِنْ ذَلِكَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» (آل عمران: ۱۴ - ۱۵)؛ «يَا قَوْمِ إِنَّمَا هِذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَمَتَاعٌ إِنَّ الْأُخْرَىٰ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ» (غافر: ۳۹)؛ «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (قصص: ۸۸).

۲. امام صادق (ع) می‌فرماید: «موسی (ع) - فی مناجاته - : اَی رَبِّ، اَی خَلْقِکَ احَبُّ اِلَیْکَ؟ قَالَ: مَنْ اِذَا اخَذْتُ حَبِیبَهُ سَأَلْتَنی قَالَ فَاَی خَلْقِکَ اَنْتَ عَلَیْهِ سَاحِظٌ قَالَ مَنْ یَسْتَجِیْزِی فِی الْأَمْرِ فَاِذَا قَضَیْتُ لَهُ سَخِطَ قَضَائِی» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۹، ص ۹۰)؛ قرآن کریم می‌فرماید: «عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (بقره: ۲۱۶).

مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۹، ص ۹۰) نشان داد که عدم پذیرش مشیت الهی و نارضایتی از تقدیر الهی موجب می‌شود که فرد در یک چرخه منفی از رنج و پریشانی گرفتار شده و روند بازیابی هیجانی او با موانع بیشتری روبه‌رو گردد. این یافته، با نتایج حاصل از مطالعات گسترده‌ای همسو می‌باشد. رودکی سمرقندی (۱۳۹۳، ص ۱۲۲) از شعرای نام‌دار سده چهارم هجری نیز از تزلزلی که عشق شورانگیز، ممکن است در باورهای اعتقادی انسان به وجود آورد، سخن گفته است.^۱ یافته‌های حاصل از پژوهش حاجلو و مولایی (۱۳۹۶) نشان داد دانشجویان مبتلا به شکست عشقی به دلیل نشانگان ناامیدی، افسردگی و تنش، دارای دید منفی بوده و میزان اعتماد، توجه و توکل به خدا در این گروه نسبت به دانشجویان بدون تجربه شکست عشقی پایین‌تر است. باهنر، آسایش و قاضی‌نژاد (۱۳۹۸) در مطالعه خود، گلایه‌های معنوی را یکی واکنش‌های رفتاری و مقابله‌ای ناسازگارانه دختران با تجربه شکست عشقی دانسته‌اند. در مطالعه علیزاده (۱۴۰۰) افراد به دلیل افسردگی و خشم ناشی از شکست عاطفی، نمی‌توانند باورهای دینی خود را به‌کار برده و از خداوند به عنوان قدرت برتر، گلایه می‌کنند. در پژوهش برادشاو و همکاران (۲۰۱۰) نیز میان دلبستگی به خداوند با وقایع استرس‌آور و ناراحت‌کننده زندگی، ارتباط منفی وجود دارد. همچنین یافته‌های حاصل از پژوهش منطقی (منطقی، ۱۳۹۰، ص ۲۷۷) در بررسی میدانی افراد شکست‌خورده عاطفی، نشان داد این افراد در برخی موارد از دین فاصله می‌گیرند. در این مطالعه، دلایلی که این افراد از آن یاد کرده‌اند، به‌طور عمده در دو مقوله کمک خواستن از خدا و نرسیدن به خواسته خویش و مانع دیدن مذهب در مسیر عشق‌ورزی با یکدیگر، قرار می‌گیرد که به بریدن آنها از مذهب انجامیده است. البته در جای دیگر از همین مطالعه (منطقی، ۱۳۹۰، ص ۲۸۰) روی آوردن بیش از پیش به دین نیز در افراد شکست‌خورده عاطفی دیده شده است که با یافته‌های پژوهش حاضر ناهمسو می‌باشد. این پژوهش، افراد مزبور را در دو گروه طبقه‌بندی کرده است: گروه نخست افرادی که با روی آوردن به خداوند، مصرانه بر خواسته‌های خود تأکید ورزیده، خواستار بازگشت محبوب از دست‌رفته خود می‌باشند؛ اما گروه دوم (که به نظر می‌رسد شامل افرادی با اعتقادات عمیق‌تر دینی هستند) عذرخواهان و توبه‌جویان، به خداوند روی آورده و از خداوند خواستار بخشش و آرامش داشته‌اند. این تحول معنوی در این مطالعه در دختران بیشتری در قیاس با پسران مشاهده شده است. زیرمقوله بعدی در شناخت‌های تداوم‌بخش، عدم توجه به حکمت خداوند است. متون اسلامی

۱. از کعبه کلیسیا نشینم کردی / آخر در کفر بی‌قرینم کردی / بعد از دو هزار سجده بر درگاه دوست / ای عشق چه بیگانه ز دینم کردی.

بیانگر آن است که هیچ رویدادی، از جمله شکست عاطفی، بدون اجازه و علم خداوند رخ نمی‌دهد. وقایع زندگی تصادفی نیستند، بلکه تحت نظارت و اراده حکیمانه خداوند قرار دارند^۱ (تغابن: ۱۱؛ حدید: ۲۲). خداوند می‌فرماید که اگر انسان باور داشته باشد که هر رخدادی بر اساس علم و حکمت الهی رقم می‌خورد، نه دچار حسرتی جان‌کاه بر آنچه از دست داده می‌شود و نه دچار غرور و دل‌بستگی افراطی نسبت به آنچه به‌دست می‌آورد^۲ (حدید: ۲۳). همچنین از متون اسلامی برداشت می‌شود کسی که بداند جهان تحت نظارت خداوند است و هیچ بن‌بستی در زندگی وجود ندارد، حتی اگر دچار شکست شود، آن را به‌عنوان بخشی از نظام حکمت الهی می‌پذیرد^۳ (کهف: ۳۹)، اما کسی که اتفاقات را تصادفی و بدون حکمت ببیند، به‌راحتی دچار سردرگمی می‌شود و احساس می‌کند که زندگی بی‌معنا شده است. نتایج حاصل از این یافته با پژوهش‌های فتاحی و کلانتری (۱۳۹۲) و حسینی کوهساری (۱۳۸۶) همسو می‌باشد. در تبیین این یافته از اندیشمندان مسلمان، مصباح یزدی (۱۳۹۱، ص ۳۷) معتقد است در ملک خداوند، چیزی برخلاف اراده او واقع نمی‌شود. این خداوند است که بر اساس حکمت خود، به این جهان نظم بخشیده و آن را بهترین نظام دانسته است که از آن فلاسفه به نظام احسن تعبیر می‌کنند؛ بنابراین امور ناخوشایند و تلخی که اتفاق می‌افتد نیز در چنین نظامی اتفاق افتاده است. باور به قضا و قدر الهی نیز در مفهوم توجه به حکمت الهی قرار می‌گیرد. در مطالعه فتاحی و کلانتری (۱۳۹۲) باور به قضا و قدر الهی، از راهکارهای شناختی مقابله با فشار روانی در اسلام معرفی شده است. از نظر این پژوهش، امور جهان تصادفی نیست و تمام آنچه در جهان اتفاق می‌افتد، مطابق با علم و اراده خداوند است. علم به این موضوع، تحمل سختی‌های زندگی را آسان‌تر کرده و احساس بن‌بست را در مشکلات از بین می‌برد. پسندیده (۱۳۸۸، ص ۱۳۱) نیز معتقد است تصادفی پنداشتن وقایع و خارج از برنامه دانستن آنها، بر تلخی حوادث می‌افزاید، اما آگاهی از اینکه این حوادث (مانند شکست عاطفی) بر اساس مقدرات الهی صورت گرفته است، رنج و استرس مصیبت‌ها را کاهش می‌دهد.

عدم توکل به خداوند در سختی‌ها دیگر زیرمقوله از شناخت‌های تداوم‌بخش است. متون اسلامی بیان می‌کنند که توکل به خداوند فرد را از شکست و مغلوب شدن مصون می‌دارد و باعث آسانی مشکلات و فراهم شدن اسباب می‌شود. در مقابل، عدم توکل به خداوند می‌تواند باعث شود فرد در

۱. قرآن کریم می‌فرماید: «مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (تغابن: ۱۱)؛ «مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ» (حدید: ۲۲).

۲. قرآن کریم می‌فرماید: «لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ».

۳. قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَوْ لَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِنَّ تَرْنِ أَنَا أَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا».

برابر مشکلات مانند شکست عاطفی، احساس ناتوانی و شکست کند^۱ (طبرسی، ۱۳۸۵، ص ۱۷؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۶۵۶). همچنین از درجات توکل در منابع اسلامی این است که فرد به این بلوغ برسد که در تمام امور (از جمله نامالایمات مثل شکست‌ها) از خداوند راضی باشد و بداند خداوند از هیچ خیر و نفعی نسبت به او کوتاهی نمی‌کند^۲ (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۱۶۸). رابطه میان توکل و کاهش رنج و پریشانی نیز در متون دینی اشاره شده است^۳ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۵۵۶). دیلمی و آذربایجانی (۱۳۸۵) نیز توکل به خداوند را متوقف بر ایمان نسبت به در کار نبودن هیچ قدرتی جدا از خداوند در امور جهان و اینکه همه اسباب مقهور قدرت الهی می‌باشند، می‌دانند. همسوبا یافته این مطالعه، سالاری‌فر و همکاران (۱۳۹۰) بیان می‌کنند که وقتی فردی به جای قدرت محدود خود، به قدرت خداوند تکیه می‌کند، قدرت روانی بالایی در خود ایجاد می‌کند و به راحتی می‌تواند در برابر مشکلات زندگی مقاومت کرده و سطح سلامت روانی خود را افزایش دهد. توکل و اعتماد به قدرت بی‌انتهای خداوند، قدرت فرد را در مقابله با ناگواری‌ها دوجندان کرده و منجر به پیشگیری از بسیاری مشکلات می‌شود.

دیگر زیرمقوله از شناخت‌های تداوم‌بخش، عدم نگاه آزمایش‌محور به زندگی دنیا می‌باشد. متون اسلامی به صراحت عشق را یکی از آزمون‌های الهی دانسته‌اند که محل آزمایشی برای افراد است^۴ (متقی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۳۷۳). این نگاه، فرد را از غرق شدن در اندوه شکست عاطفی نجات می‌دهد؛ زیرا متوجه می‌شود که این رخداد، بخشی از مسیر آزمایش و تربیت روحی او بوده است، نه یک فقدان مطلق. مسئله محل آزمایش بودن تمام گشایش‌ها و گرفتاری‌های انسان در زندگی دنیا (از جمله شکست‌ها)، در متون اسلامی زیادی مطرح شده است^۵ (به عنوان نمونه: آل عمران: ۲۲؛ عنکبوت: ۲؛ ابن بابویه، ۱۳۹۸،

۱. امام باقر (ع) می‌فرماید: «مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ لَا يَغْلِبْ وَمَنْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ لَا يَهْزَمُ» (طبرسی، ۱۳۸۵، ص ۱۷)؛ امام علی (ع) می‌فرماید: «مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ ذَلَّتْ لَهُ الصَّعَابُ وَتَسَهَّلَتْ عَلَيْهِ الْأَسْبَابُ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۶۵۶).

۲. امام کاظم (ع) می‌فرماید: «لَمَّا سُئِلَ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى - «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» - : التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ دَرَجَاتٌ؛ مِنْهَا أَنْ تَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ فِي أُمُورِكَ كُلِّهَا، فَمَا فَعَلَ بِكَ كُنْتُ عَنْهُ رَاضِيًا، تَعَلَّمَ أَنَّهُ لَا يَأْلُوكَ خَيْرًا وَفَضْلًا، وَتَعَلَّمَ أَنَّ الْحُكْمَ فِي ذَلِكَ لَهُ، فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ بِتَفْوِضِ ذَلِكَ إِلَيْهِ، وَثِقْ بِهِ فِيهَا وَفِي غَيْرِهَا».

۳. امام علی (ع) می‌فرماید: «لَيْسَ لِمُتَوَكِّلٍ عَنَاءٌ».

۴. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «خِيَارُ أُمَّتِي الَّذِينَ يَعْقُونَ إِذَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنَ الْبَلَاءِ شَيْئًا. قَالُوا: وَأَيُّ الْبَلَاءِ؟ قَالَ: الْعَشَقُ».

۵. امام صادق (ع) می‌فرماید: «مَنْ مَنِ قَبَضَ وَلَا يَسْطُرُ إِلَّا وَلِلَّهِ فِيهِ الْمَقْدُورُ وَالْإِتِّبَالُ» (ابن بابویه، ۱۳۹۸، ص ۳۵۴)؛ قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» (آل عمران: ۲۲)؛ «أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يَتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْقَهُونَ» (عنکبوت: ۲).

ص ۳۵۴). در این متون تأکید می‌شود که مؤمنان در زندگی مورد آزمایش قرار می‌گیرند و نباید انتظار داشته باشند که بدون مواجهه با سختی‌ها، مسیر ایمان را طی کنند؛ بنابراین وقتی فرد رویدادهای زندگی، از جمله شکست عاطفی را به‌عنوان بخشی از آزمون‌های الهی درک نکند، نمی‌تواند معنای عمیق‌تر این تجربیات را درک کرده و در نتیجه ممکن است پریشانی بیشتری پس از شکست عاطفی تجربه کند. این یافته، با نتایج مطالعات حاصل از (حسینی، ۱۳۸۷؛ ابراهیمی، ۱۳۸۷؛ شریفی فلاورجانی، ۱۳۹۱) همسو می‌باشد. در تبیین این یافته، مصباح یزدی (۱۳۹۱، ص ۳۸) معتقد است انسان‌ها در برابر ناخوشایندهای زندگی آزمایش می‌شوند تا مشخص شود چه واکنشی از خود نشان می‌دهند. از نگاه او، شکوه و گلایه نکردن از خداوند در برابر تلخی‌ها، مخصوص بندگان برجسته خداوند و مقام صبر است. در درجه بالاتر، رضایت دادن به ناگواری‌ها از آن جهت که از جانب خداوند است، می‌باشد که آن را از بالاترین مراحل ایمان دانسته است و باور دارد هر مقدار انسان ایمان و معرفت بیشتری داشته باشد، این رضایت در او بیشتر است. دیگر اندیشمند مسلمان، شهید مطهری (۱۳۷۸، ص ۱۸۳) باور دارد که اگر انسان به هدف و فلسفه آزمایش خداوند توجه داشته باشد (که نمونه‌ای از آن فقدان معشوق است)، غم فقدان او را از پای در نمی‌آورد، بلکه باور به اینکه آزمایش سبب تکامل انسان است، فقدان را برای او قابل تحمل می‌کند. امتحان‌های الهی برای آن می‌باشد که در خلال این گرفتاری‌ها، فرد کمال پیدا کند. در مطالعه لوئیس^۱ (۲۰۰۶) نیز احساس بی‌معنا بودن حوادث، یکی از عوامل تنیدگی و فشار روانی است. اگر حوادث ناخوشایند زندگی، بی‌معنا ارزیابی شوند، قابل تحمل نخواهند بود. انسان در زندگی خود به معنایی نیاز دارد که به خاطر آن، سختی‌ها را تحمل کند و ناکامی در کسب معنا، از مهم‌ترین عوامل تنش‌زا می‌باشد؛ بنابراین نگاه آزمایش محور به سختی‌ها، از جمله شکست عاطفی، می‌تواند معنایی جهت‌کاهش پریشانی پس از آن باشد.

از جمله محدودیت‌های این مطالعه، انتخاب جامعه متنی بر اساس درجه‌بندی کتب بود که کتب متقن‌تر (کتب الف و ب) انتخاب شدند؛ درحالی‌که بهتر آن است که انتخاب متون اسلامی بر اساس اسناد موثق‌تر (نه کتب) صورت بگیرد.

در پایان پیشنهاد می‌شود از سبب‌شناسی این مطالعه جهت تدوین مداخله‌های درمانی و

بسته‌های آموزشی مبتنی بر فرهنگ بومی استفاده شود؛ همچنین سبب‌شناسی شکست عاطفی بر اساس دیگر روش‌های کیفی و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته در بافت فرهنگ بومی استخراج شده و مداخلات درمانی طراحی شده از آن در جهت کاهش نشانگان بالینی ناشی از شکست عاطفی و رشد پس از ضربه، استفاده شود.

منابع

قرآن کریم.

ابراهیم نژاد، محمدرضا (۱۳۹۰). منزلت عشق در آیات قرآن و سیره پیشوایان. پژوهش‌نامه معارف قرآنی، ۷، ۴۲-۱.

ابراهیمی، ابوالفضل (۱۳۸۷). باورهای آخرت‌نگرانه و رابطه آنها با سلامت روان. روان‌شناسی و دین، ۱(۳)، ۱۰۷-۱۲۶.

ابن اشعث، محمد بن محمد (بی‌تا). الجعفریات (الأشعثیات). تهران: مکتبة النینوی الحدیثة.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶). الأمالی (للصدوق). تهران: کتابچی.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه. تصحیح: علی اکبر غفاری. قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم. مؤسسة النشر الإسلامی.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۸). التوحید (للصدوق). تحقیق: هاشم حسینی طهرانی. قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم.

ابن شعبه، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). تحف العقول. تصحیح علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین.

ابن عربی، محمد بن علی (۱۴۱۸ق). الفتوحات المکیة. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

اسکندری وفائی، نرگس (۱۳۹۱). تأویل سهروردی از حقیقت حب در قرآن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. زنجان.

امین، سیده نصرت (۱۳۶۱). مخزن العرفان در تفسیر قرآن. تهران: نهضت زنان مسلمان.

آبراهاموف، بنیامین (۱۳۸۸). عشق الهی در عرفان اسلامی. ترجمه حمیرا ارسنجان. تهران: نگاه معاصر.

باهنر، فهیمه؛ آسایش، محمدحسن و قاضی نژاد، نیکو (۱۳۹۸). تبیین واکنش های رفتاری و مقابله های دانشجویان دختر با نشانگان ضربه عشقی: یک مطالعه پدیدارشناسانه. زن و فرهنگ، ۱۱(۴۱).

پسندیده، عباس (۱۳۸۸). رضایت از زندگی. دارالحديث.
تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). غرر الحکم و درر الکلم. تحقیق: سیدمهدی رجائی. قم: دارالکتاب الاسلامی.
جان بزرگی، مسعود (۱۳۹۸). درمان چندبعدی معنوی: یک رویکرد خداسو برای مشاوره و روان درمانگری (فنون و برنامه ها). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
حاجلو، نادر و مولایی، مهری (۱۳۹۶). عملکرد خانواده اصلی، تمایزیافتگی خود و دلبستگی به خدا در دانشجویان با و بدون شکست عاطفی. پژوهش های نوین روان شناختی، ۱۲(۴۶)، ۶۳-۸۰.

حسینی کوهساری، سیداسحاق (۱۳۸۶). نگاهی قرآنی به فشار روانی. تهران: کانون اندیشه جوان.
حسینی، اعظم السادات (۱۳۸۷). سوءظن و حسن ظن به خدا و خلق در آیات و روایات. قم: جامعة القرآن الکریم.

دیلمی، احمد و آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۵). اخلاق اسلامی. قم: دفتر نشر معارف.
دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۰۸ق). أعلام الدین فی صفات المؤمنین. پدیدآور: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث. قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.
دیلمی، شیرویه بن شهردار بن شیرویه (۱۴۰۶ق). الفردوس بمأثور الخطاب. بیروت: دار الکتب العلمیة.

رفیق الاسلام، محمد (۱۳۹۳). تحلیل عقلانی محبت و عشق با توجه به آیات و روایات. پایان نامه کارشناسی ارشد. مجتمع آموزشی امام خمینی (ع).

رودکی، ابوعبدالله جعفر بن محمد (۱۳۹۳). دیوان رودکی سمرقندی. تهران: نگاه.
سالاری فر، محمدرضا؛ شجاعی، محمدصادق؛ موسوی اصل، سیدمهدی و دولتخواه، محمد (۱۳۹۰). بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
ستاری، جلال (۱۳۵۴). پیوند عشق میان شرق و غرب. تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
شجاعی، محمدصادق؛ جان بزرگی، مسعود؛ عسگری، علی؛ غروی راد، سیدمحمد و پسندیده،

عباس (۱۳۹۳). کاربرد نظریه حوزه‌های معنایی در مطالعات واژگانی ساختار شخصیت بر پایه منابع اسلامی. مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۸(۱۵)، ۳۸۷.

شریف الرضی، محمد بن حسین (پدیدآور). (۱۴۱۴ق). نهج البلاغة. تصحیح: صبحی صالح. قم: مؤسسة دار الهجرة.

شریفی فلاورجانی، مرضیه (۱۳۹۱). اثربخشی الگوی سوگ درمانی شناختی - رفتاری گروهی با رویکرد اسلامی بر آثار سوگ در خانواده‌های داغ‌دیده شهرستان فلاورجان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. اصفهان.

صالحی، امین (۱۳۹۰). رابطه عشق مجازی و حقیقی با تکیه بر سه اثر نظامی (لیلی و مجنون، خسرو و شیرین و هفت پیکر). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. سیستان و بلوچستان.

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۹). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طباطبایی، سید محمد کاظم (۱۳۹۰). منطق فهم حدیث. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی .

طبرسی، علی بن حسن (۱۳۸۵). مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار. تصحیح: صالح جعفری. نجف: المكتبة الحیدریة.

علیزاده، مهشید (۱۴۰۰). بررسی کیفی عوامل موثر بر برون رفت از شکست عاطفی. دانشگاه اردکان.

عین‌القضات همدانی، عبدالله بن محمد بن علی (۱۳۵۵). تمهیدات. تهران: کتابخانه منوچهری.

فتاحی، راضیه و کلانتری، مهرداد (۱۳۹۲). سوگ و داغ‌دیدگی در اسلام و روان‌شناسی. دومین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی.

فروم، اریک (۱۳۹۲). انسان برای خویشتن. ترجمه اکبر تبریزی. تهران: بهجت.

قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق). تفسیر القمی. تصحیح: طیب جزایری. قم: دار الکتاب.

کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی (۱۴۰۵ق). المصباح للکفعمی (جنة الأمان الواقیة). قم: دار الرضی (زاهدی).

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق). الکافی. تحقیق: محمد حسین درایتی. قم: دار الحدیث.

گوته، یوهان ولفگانگ فون (۱۳۴۳). دیوان شرقی. ترجمه شجاع‌الدین شفا. تهران: ابن سینا.

متقی، علی بن حسام‌الدین (۱۴۱۹ق). کنز العمال ق سنن الاقوال و الافعال. تحقیق: محمود عمر

- دمیاطی. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳). بحار الأنوار (ط- بیروت). تصحیح: جمعی از محققان. بیروت: دار إحياء التراث العربي.
- محمّدی ری شهری، محمد (۱۳۹۳). کیمیای محبت. قم: دارالحديث.
- محمّدی ری شهری، محمد (۱۳۸۹). میزان الحکمة. ترجمه حمیدرضا شیخی. قم: دارالحديث.
- مراغه‌چیان، حسین؛ بنی‌هاشمی، سیدمحمد و مظاهری، عبدالرضا (۱۳۹۱). مقایسه جایگاه عقل و عشق از منظر قرآن و روایات با ابن عربی (عرفان). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱). راهیان کوی دوست. قم: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل سازمان تبلیغات اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). آشنایی با قرآن. تهران: صدرا.
- منطقی، مرتضی (۱۳۹۰). روان‌شناسی عشق شورانگیز. تهران: بعثت.
- مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۷۹). مثنوی معنوی. تحقیق: محمد رمضان و علی نریمانی. تهران: پدیده دانش.
- نظامی، الیاس بن یوسف (۱۳۸۶). خسرو و شیرین. تهران: امیرکبیر.
- ورام، مسعود بن عیسی (۱۴۱۰ق). تنبیه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه ورام). قم: مکتبه فقیه.
- یوسف زاده، محمدرضا و معروفی، حبیبی. (۱۳۸۸). تحلیل محتوا در علوم انسانی (راهنمای عملی تحلیل کتاب‌های درسی). همدان: سپهر دانش.
- Bengtsson, M. (2016). How to plan and perform a qualitative study using content analysis. *NursingPlus Open*, 2, 8–14.
- Boelen, P. A. & Reijntjes, A. (2009). Negative cognitions in emotional problems following romantic relationship break-ups. *Stress and Health: Journal of the International Society for the Investigation of Stress*, 25(1), 11–19.
- Bradshaw, M., Ellison, C. G. & Marcum, J. P. (2010). Attachment to God, images of God, and psychological distress in a nationwide sample of Presbyterians. *The International Journal for the Psychology of Religion*, 20(2), 130–147.

- Brenner, R. E. & Vogel, D. L. (2015). Measuring thought content valence after a breakup: Development of the Positive and Negative Ex-Relationship Thoughts (PANERT) scale. *Journal of Counseling Psychology*, 62(3), 476–487.
- Brunson, J. A., Øverup, C. S. & Acitelli, L. K. (2018). Lover and learner: Exploring relational schema change following relationship dissolution. *The Journal of Social Psychology*, 159(3), 270–283.
- Buss, D. M. (2006). Strategies of human mating. *Psihologijske Teme*, 15(2), 239–260.
- Davis, D., Shaver, P. R. & Vernon, M. L. (2003). Physical, emotional, and behavioral reactions to breaking up: The roles of gender, age, emotional involvement, and attachment style. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 29(7), 871–884.
- Del Palacio-González, A., Clark, D. A. & O’Sullivan, L. F. (2017). Cognitive processing in the aftermath of relationship dissolution: Associations with concurrent and prospective distress and posttraumatic growth. *Stress and Health*, 33(5), 540–548.
- Eastwick, P. W., Joel, S., Carswell, K. L., Molden, D. C., Finkel, E. J. & Blozis, S. A. (2023). Predicting romantic interest during early relationship development: A preregistered investigation using machine learning. *European Journal of Personality*, 37(3), 276–312.
- Fahmy, M. S. (2016). Love’s Reasons. *The Journal of Value Inquiry*, 50, 153–168.
- Field, T., Diego, M., Pelaez, M., Deeds, O. & Delgado, J. (2009). Breakup distress in university students. *Adolescence*, 44(176), 705–727.
- Field, T., Diego, M., Pelaez, M., Deeds, O., Delgado, J. (2010). Breakup distress and loss of intimacy in university students. *Psychology*, 1(3), 173–177.
- Fisher, H. & Jolly, A. (2004). Books and arts-Why We Love: The Nature and Chemistry of Romantic Love. *Nature*, 427(6973), 396–396.
- Frazier, P. A. & Cook, S. W. (1993). Correlates of distress following heterosexual relationship dissolution. *Journal of Social and Personal Relationships*, 10(1), 55–67.
- Glaser, B., & Strauss, A. (2017). *Discovery of grounded theory: Strategies for qualitative*

- research. New York: Routledge.
- Goodwin, R. (2013). *Personal relationships across cultures*. New York: Routledge.
- Hamdan, A. (2008). Cognitive restructuring: An islamic perspective. *Journal of Muslim Mental Health*, 3(1), 99–116.
- Hatfield, E., Rapson, R. L. & Martel, L. D. (2002). Passionate love and sexual desire. *Stability and Change in Relationships*, 306–324.
- Hebert, S. & Popadiuk, N. (2008). University students' experiences of nonmarital breakups: A grounded theory. *Journal of College Student Development*, 49(1), 1–14.
- Karandashev, V. (2015). A cultural perspective on romantic love. *Online Readings in Psychology and Culture*, 5.(۴)
- Landis, D. & O'Shea, W. A., (2000). Cross-cultural aspects of passionate love: An individual differences analysis. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 31(6), 752–777.
- Lee, S. & Kweon, S. H. (2013). A study on empathy, credibility, and political attitude in social media: Focused on the relationship between empathetic intention and the motivation of belonging on intended pro-social and political behavior. *Advances in Journalism and Communication*, 1(03), 26–40.
- Lewis, N. (2006). *Spirituality as a coping mechanism for African-American college students facing bereavement*. State University of New York.
- Lincoln, Y. S. & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic Inquiry*. Beverly Hills: Sage Publications, Inc.
- Mirsu-Paun, A. & Oliver, J. A. (2017). How much does love really hurt? A meta-analysis of the association between romantic relationship quality, breakups and mental health outcomes in adolescents and young adults. *Journal of Relationships Research*, 8, 1–12.
- Oravec, Z., Dirsmith, J., Heshmati, S., Vandekerckhove, J. & Brick, T. R. (2020). Psychological well-being and personality traits are associated with experiencing love in everyday life. *Personality and Individual Differences*, (153), 1–9.
- Park, L. E., Sanchez, D. T. & Brynildsen, K. (2011). Maladaptive responses to relationship

dissolution: The role of relationship contingent self-worth. *Journal of Applied Social Psychology*, 41(7), 1749–1773.

Rajabi, S. & Nikpoor, N. (2018). Comparison of the effectiveness of the transactional analysis training and emotion regulation on the improvement of love trauma syndrome: Dealing with the problems caused by the separation and love break up. *Archives of Psychiatry and Psychotherapy*, 20(4), 17–28.

Rokack, A. (2019). Development, Causes, and Effects of Social and Emotional Isolation: chapter 9: On love and loneliness. *The Psychological Journey to and from Loneliness*, 207–236.

Saffrey, C. & Ehrenberg, M. (2007). When thinking hurts: Attachment, rumination, and postrelationship adjustment. *Personal Relationships*, 14(3), 351–368.

Salkind, N. J. (2010). *Encyclopedia of research design*. Thousand Oaks, CA: sage.

Sbarra, D. A. (2006). Predicting the onset of emotional recovery following nonmarital relationship dissolution: Survival analyses of sadness and anger. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 32(3), 298–312.

Tashiro, T. Y. & Frazier, P. (2003). “I’ll never be in a relationship like that again”: Personal growth following romantic relationship breakups. *Personal Relationships*, 10(1), 113–128.

Trier, J. (2019). *Das sprachliche Feld. Eine Auseinandersetzung*. Berlin: De Gruyter Mouton.

Uzgel, B. (2004). *The prediction of psychological distress following a romantic relationship dissolution: relationship characteristics, problem solving skills, and self-esteem*. Middle East Technical University.

Wadhawan, J., Srivastava, P., Agrawal, P., Jindal, P., Singh, D., Sharma, S. & Ahmed, S. (2020). Breakup among Medical Students: Aftermath and Resumption. *Indian Journal of Public Health Research & Development*, 11.(۱۰)

Wang, H. & Amato, P. R. (2000). Predictors of divorce adjustment: Stressors, resources, and definitions. *Journal of Marriage and Family*, 62(3), 655–668.

Weiss, R. S. (1975). *Marital separation*. New York: Basic Book.